

حالا برای مدت ۱ سال معین گردانند در صورتیکه مدت امتیاز کارخانه گبریت سازی ده سال است و بنده باین مدت که تا سه ۱۳۰۶ باشد مخالفم اگر باید مدت داشته باشد و الا ای یک سال خیر کم است و بیک کارخانه گبریت سازی که تا زده در ملکیت تأسیس شده است و دولت و مجلس می-خواهند تشویق و تقویتش میکنند باید بیشتر مساعدت کرد (باج را) که یک چیز خلاف قانونی است) همینطور نواقل را برای مدت بیشتری باین کارخانه بخشند و به قید بنده برای مدت ۱ سال خیلی کم است و بنده مخالفم.

نایب رئیس آقای کلادونی (اجازه)

کلادونی- نماینده محترم نه تمام موافق بودند و بنده هم موافقم ولی ایشان بعنوان مخالف اظهار کردند و بنده هم لاشم در جواب ایشان عرضی بکنم عرض می-کنم خوب است این فرمایشاتی را که میفرمایند بپیشنهاد بکنند.

شاید بنده هم بایشان موافق باشم و رأی بدم و بنده هم حقیقتا خیلی میل دارم که رأی بدم که تا آخر مدت امتیاز از پرداخت این حق معاف باشد و این یک خدمت بزرگی است و البته لازم است که نسبت باین کارخانه گبریت سازی و سایر کارخانجات بشود و بنده هم کمالا موافقم.

نایب رئیس آقای انسر (اجازه)

انسر- عرض می کنم نواقل مالیات بلدی است مالیات ملکیتی نیست که معاف باشد

نواقل را اهالی یک شهری میدهند بر تعمیر و آبادی آن شهر و به قید بنده قدمت نواقل را باید بنده و با اختیار خود آن شهر و کارگذار نمایند و نامی توانیم آن را بیغشام

مطابق قانون اساسی ما می توانیم مالیات را کم بزیاد کنیم یا باج را در معاف کنیم

ولی مالیات نواقل را چون قسمت بلدی است و اختصاص بشهر دارد گمان نمی کنم بتوانیم بیغشیم

ولی در قسمت باج راه همین طور که فرمودند بنده هم موافقم که بیغشال باشد ولی با نواقل مخالفم چون یک مالیات است که اهالی برای آبادی شهر می دهند و هم در آن ذی نفع هستند و ما از نقطه نظر خصوصی می توانیم باج را در معاف کنیم ولی مالیات نواقل را از نقطه نظر عموم نمی توانیم بیغشیم

نایب رئیس آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده- بنده بقرینه دلیلی که نماینده محترم برای برای مخالفت

ذکر کردند موجه بنظر نمی رسد زیرا مجلس شورای ملی برای تشویق موسسات و تشویق هر قسم لوازمی که موثر در اصلاح ملکیت است حق دارد هر نوع دخالتی بنماید و همین طور نسبت مساواتی که بخصوص مربوط بیک شرعی باشد و این هیچ نوع شرعی ندارد.

بعلاوه اهالی یک شهر یا یک ولایتی اساسا مال بانی را کمی دهند باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد

و بعد آن دلیلی که مجلس شورای ملی صلاحیت و تصویب آنها را دارد حق دارد برای تشویق از یک موسسه اخذ آن را منع نماید

نایب رئیس آقای دادگر (اجازه)

دادگر- موافقم

جمعی از نمایندگان- مذاکرات کافی است

نایب رئیس مذاکرات کافی است جمعی از نمایندگان- اظمار نمودند

بلی کافی است

نایب رئیس- دو فقره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای عدلی و یکی از طرف آقای طهرانی و هر دو را هم یک موضوع است (بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای عدلی- بنده پیشنهاد پیشنهاد میکنم اتمومیل باری کارخانه گبریت سازی تا آخر مدت امتیاز صاحب امتیاز معاف باشد

پیشنهاد آقای طهرانی بنده پیش نهاد می نمایم بهوش یکسال نوشته شود تا آخر مدت امتیاز

نایب رئیس- پیشنهاد دیگری از طرف آقای آقامیرزا شهاب شده است آن هم قریب به همین مضمون است

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای آن آخر سه ۱۳۰۶ نوشته شود تا آخر مدت امتیاز

نایب رئیس آقای عدلی (اجازه)

عدلی- بنده تصور میکنم توضیحی لازم ندارد

والیته اگر تا آخر مدت امتیاز باشد صاحب امتیاز بهتر باد لگرم مشغول کار خواهد شد

فاطمی مخبر- این مطلبی را که آقایان میفرمایند در کمیسیون هم مذاکره شد و خاطر هست که از طرف یکی از آقایان پیشنهاد شد که خوب است تا آخر مدت معاف باشد ولی بعد از طرف نماینده وزارت مالیه که در آنجا بود اظهار شد علاوه بر اینکه اقدام برای تشویق از آن مؤسسه شده است اما یک مسائل دیگر را هم در نظر داریم و این مسئله باتوافق نظر صاحب امتیاز بوده است و بیش از این مدت را موافقت نکردم است

نایب رئیس رای میگیرم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند بفرمایند

(اقتضای نام نمودند)

نایب رئیس- قابل توجه شد پیشنهاد اصلاحی دیگری آقای دیا کرده اند (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از لفظ گبریت سازی نوشته شود بترتیب

مخبر- البته مقصود هم همین است ممکن است اضافه شود

نایب رئیس (خطاب بآقای شریعت زاده) پیشنهاد جنابعالی برای مدت سه سال است تصور میکنم مورد ندارد

شریعت زاده- بلی

نایب رئیس- لایحه باین پیشنهادی که قابل توجه شد ارجاع می شود بکمیسیون اگر آقایان موافقت بفرمایند جلسه را ختم میکنیم

جمعی از نمایندگان- صحیح است

نایب رئیس- بکشند آیه بواسطه اینکه تصادف میکنیم با روز وفات حضرت علی این موسی الرضاع علیه السلام مجلس البته تعطیل خواهد بود جلسه آیه روز سه شنبه چهار قبل از ظهر دستور هم را برت کمیسیون قوانین مالیه راجع معافیت یک دستگاه اتمومیل برای کارخانه گبریت سازی پیشنهادی رسیده است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای عظیمی اینجانب پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری راجع بلاجه پیشنهادی دولت در تسعیر عمارت خدمت دولتی جزء دستور جلسه آیه شود

جمعی از نمایندگان- صحیح است

نایب رئیس- مخالفی ندارد

(اظهار نمودند غیر)

نایب رئیس- در درجه دوم جزء دستور می شود

پیشنهاد آقای خواجوی لایحه مستوری برته مرحوم مشاور- الملک قریب سه ماه است از تصویب کمیسیون گذشته و هنوز جزء دستور نشده و وره از نهایت فلاکت و بی تکلیبی هستند بنده پیشنهاد میکنم جزو دستور شود

نایب رئیس- مخالفی هست؟

(اظهار نمودند غیر)

پیشنهاد شاهزاده عباس میرزا بنده پیشنهاد میکنم که قانون بلدی جزو دستور گذارده شود

نایب رئیس- بنده تصور میکنم بیش از این مجلس وقت نداشته باشد پیشنهاد آقای اشکر بنده پیشنهاد میکنم راپرت های کمیسیون مبتکرات در درجه اول جزو

دستور شود

نایب رئیس- بفرمایند

اشکر- تقریبا کمیسیون مبتکرات سه مرتبه است تجدید شده و هنوز لو بجی که از طرف آقایان پیشنهاد شده است بپایب نیامده و این لواج باید بماند تا کمیسیون دیگر تشکیل شود این است که بنده تقاضا کردم جزو دستور جلسه آیه گذاشته شود که تا تکلیف معلوم شود

نایب رئیس- ممکن است در جلسه آیه تکلیفش را معین بفرمایند

(در این وقت عدلی نمایندگان از محل خود حرکت نمودند)

(صدای زنگ نایب رئیس)

نایب رئیس- آقایان التفات بفرمایند البته همه آقایان مستحضرنه که روز شنبه چون ابراز احساسات و اظهار تفر از قضایای که اخیرا واقع شده است و اساه ادبیکه نسبت به مرقد مظهر حضرت خاتم صلی الله علیه و الله شده تعظیم عمومی سر تاسر ملکیت خواهد بود

بنابر این البته آقایان تصویب می فرمایند که ادارات مجلس و کمیسیونها هم تعطیل بکنند

جمعی از نمایندگان- صحیح است

نایب رئیس- بکشند آیه بواسطه اینکه تصادف میکنیم با روز وفات حضرت علی این موسی الرضاع علیه السلام مجلس البته تعطیل خواهد بود جلسه آیه روز سه شنبه چهار قبل از ظهر دستور هم را برت کمیسیون قوانین مالیه راجع معافیت یک دستگاه اتمومیل برای کارخانه گبریت سازی پیشنهادی رسیده است قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای عظیمی اینجانب پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون تجدید نظر در قانون استخدام کشوری راجع بلاجه پیشنهادی دولت در تسعیر عمارت خدمت دولتی جزء دستور جلسه آیه شود

جمعی از نمایندگان- صحیح است

نایب رئیس- مخالفی ندارد

(اظهار نمودند غیر)

نایب رئیس- در درجه دوم جزء دستور می شود

پیشنهاد آقای خواجوی لایحه مستوری برته مرحوم مشاور- الملک قریب سه ماه است از تصویب کمیسیون گذشته و هنوز جزء دستور نشده و وره از نهایت فلاکت و بی تکلیبی هستند بنده پیشنهاد میکنم جزو دستور شود

نایب رئیس- مخالفی هست؟

(اظهار نمودند غیر)

پیشنهاد شاهزاده عباس میرزا بنده پیشنهاد میکنم که قانون بلدی جزو دستور گذارده شود

نایب رئیس- بنده تصور میکنم بیش از این مجلس وقت نداشته باشد پیشنهاد آقای اشکر بنده پیشنهاد میکنم راپرت های کمیسیون مبتکرات در درجه اول جزو

خواستم در پنجم هم اجازه ده روز خواستم

نایب رئیس- مراجعه میشود و بعد در صورت اقتضا اصلاح میشود

آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده- بنده در جلسه قبل که دیر آمدم کتباً اجازه خواستم در خواست میکنم این مسئله اصلاح شود

نایب رئیس- آقای اشکر (اجازه)

اشکر- راجع بدستور عرض دارم

نایب رئیس- آقای میرزا زاید الله خان (اجازه)

میرزا زاید الله خان- قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس- آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده- صورت مجلس که قرائت شد نفهمیدم من اشتباه کرده بودم یاد صورت مجلس اشتباه نوشته شده ماده الحاقیه که در آخر قانون انتخابات بنده پیشنهاد کردم یکی از مواد متسوخته ماده بیست و هشت قانون سابق بود و این جا داریم قرائت نشد با اشتباه از طرف من شده است و یاد صورت جلسه اشتباه شده است استدعا میکنم اصلاح شود

نایب رئیس- در پیشنهاد جنابعالی ماده (۲۸) ذکر نشده است

حائری زاده- پس لازم است این جمله اصلاح شود

نایب رئیس- بعد از این باب مذاکره می کنیم نسبت بصورت مجلس آقایان اعتراضی ندارند؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس- صورت مجلس تصویب شد

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب- یک مسئله را میخواهم عرض مجلس برسانم میدانم که مجلس خیلی باین مسئله توجه کرد و تمام نمایندگان نیز متوجه این مسئله بودند چنانچه در روزنامهجات هم هست حتی مجامع راجع باقتصادیات تشکیل دادند از جوانان از طبقات تجار از علماء و راجع بفقری که بر ملکیت ما کاری شده است از جهت زبانی واردات ملکیت و نقصان صادرات جامعه ملت متوجه این مسئله بوده اند با اندازه این مسئله محل توجه واقع شد که بر حسب پیشنهاد یک نفر از نمایندگان کان یک کمیسوی هم از مجلس معین شد اسم کمیسیون معین شد (کمیسیون اقتصادیات) کمیسیون اقتصادیات هم تشکیل شد حالا لابد آن کمیسیون مشغول مطالعه هست که راپرتی بمجلس بیاورند

با عملیاتی که کرده اند و معلوم خواهد شد این را خواستم قبلا عرض کنم که در ایران چرا؟ علت اینکه باید

راجع باقتصادیات هیچ یک از وکلا معاف نبودند بلکه تمام اهتمام داشتند از این نقطه نظر بنده هم که یک فرد ضعیفی از وکلا هستم غالباً روزنامهجات راجع باین موضوع را در نظر میگیرم در هفته گذشته در روزنامه پرتوراجع ب مسئله تریاک و جامعه مال این غلی که برای ضمه است شرحی نوشته شده بود بنده اجازه خواستم در این باب عرض بکنم چون قانون انتخابات مطرح بود نتوانستم عرض کنم بعد با حضرت آقای مدرس و آقای بهار صحبت کردم موضوع صحبت بنده راجع به چیزی بود که در روزنامه پرتور در خصوص جامعه ملل نوشته بود خواستم این مسئله را بر عرض مجلس برسانم که مجلس نسبت بفقیر ملکیت نسبت به بدبختی این ملت که سرایا فقر واقع شده ایم پاک توجهی بکنند

هر کجا یک روزنه برای ماهست آن روزنه را فوراً آسید میکنند

زراعتان را چطور میکنند پس فردا هم اگر پنبه کاشتیم آن وقت جامعه ملل بگوید پنبه ایران هم بیکر بردارد حالا بنده بآن کار ندارم

شاید انشاء الله تا آن وقت میبکرم ممدوم شد اول مسئله تریاک را عرض کنم اداره هوا بد داخلی چنانچه تمام آقایان مستحضرنه یک لایحه در این باب تنظیم کرد آن لایحه خیلی خوب نوشته شده بود

موسس خان و سلطان محمدخان و اعضاء داخلی یک رساله مفصلی در موضوع تریاک نوشته بودند و تحقیق هم کرده بودند که تروت و زندگانی این یک ملت که سی کرور ایرانی باشد که عضو کهن جامعه انسانیت است

آهای بشر هائیکه دلتان برای نوع بشر میسوزد که ایرانی هم عضو این جامعه هست عضو جامعه کهن بشریت ایرانی هم هست ایران هم میخواهد زندگی کند و میخواهد حیات داشته باشد این راجع تریاک که جامعه ملل مستعضر باشند که ایران صنایع ندارد

صنایعش از بین رفته هر کجا را هم بخواهیم دست بپندازیم معدن استخراج کنیم دستمان را می اندازند

آمدیم سر معدن معنی که نشد صنایع هم که نداریم دیگر چه داریم؟ منحصر شده است معیشت و زندگانی یک ملت سی کروری این تاریخ هائی که بنده هیچ عقیده باین تاریخ ها ندارم بل ملتانی که زندگانی شان از این آب قلیل زراعت میشود که مهارت از دخانیات و تریاک بوده دخانیات هم که آقای آقا شیخ جلال بهتر می دانند بنده هم از شیراز خبر دارم بقدری مالیه اظهار محنت کردند که دیگر تریاک کو کاشتن و توتون کاشتن موقوف شد

در ایران چرا؟ علت اینکه باید

باشد تا نمایند مالیه بیاید خراش کنند آتوق بتقدری معطل شود که آب بیاید و تنباکو و توتونش بکلی زده شود و از بین برود

یک زراعتی که صد سببه مالیات داشته باشد (بنده شمارا به حضرت عباس قسم می دهم دست از جان من بردارید) اینکه از بین رفتن آمدیم سر تریاک

آقایان نمایندگان تمام این لایحه را خوانند سالی دوازده میلیون قیمت تریاک ایران است که از این دوازده میلیون دو میلیون و دوازده صد و دوازده میلیون دیگرش هم سراسر مملکت ایران این ضمه جامعه بشریت باید تزیق کند

در جامعه ملل (ای دادای بیدارای فریاد) برای حفظ نفوس بشر برای حفظ جامعه آدمیت تریاک ایران باید مسود شود و در آن وفلان نشود این صحبت ها را کردند بعد لایحه نماینده های امریکا که حقیقتاً آن رساله خیلی با فلسفه و با منطق و دلیل بود بدون این که طرفداری از ملت ایران بکنند حقیقت را بیان کرده است

کلمات ایران زنده گانیش حالا اینطور واضح شده است

شما میخواهید این را قطع کنید ببینید زراعت این ملت این است و این محل استماتاده شان است محل زندگانشان است

یک ملت را با بیدارینطور باینه سرشان را برید

باید این گاوها را خورده خورده تربیت کرد و از شان شیر دروید نه اینکه سرشان را یک دفعه ببرند

این لایحه آنجا وارد شده است بعد از اینکه این لایحه را خوانده اند بنده دریم بعضی از اعضاء آن جامعه توجهی کردند و انصاف دادند و گفتند که باید در این باب مطالعه شود بعد نوشته است در این موضوع جلسه خصوصی شد و جلسه سری

بنده بقدری در این باب وحشت دارم که این جلسه خصوصی و جلسه سری کاشد چه خواهد بود و چه می شود چه اطلاعی دارند

بنده که از شما و از ضمه هستم بقدری که باید فقر و مشقت این ملت را بر عرض شما رساندم

آقای مدرس فرمودند که این قسمت هم در هیئت پیش آقای رئیس الوزراء مطرح بود و ایشان اظهار کردند که بنا است یک هیئتی از جامعه بیاید در ایران مطلع شوند که ببینند این رساله را که متخصصین آمریکائی همین حقیقت همین واقع را نوشته اند و طرفداری از ما کرده اند نوشته اند

ایران است و این زراعت تریاک در کجای

ایران زراعت می شود و مصرف و مدخلش بچیز است

این وقایع را خواستم بر عرض شما برسانم و در پایان عرض هم عرض میکنم بکنگر از آقایان نمایندگان فرمودند بن شهور تکلم ندارم

بنده شهور تکلم دارم یعنی چه درد را که فهمیدم ناچار فریاد بزنم نمی توانم فریاد بزنم در این راهم باید بگویم حالا کسی نمیتواند بشود و در این مجلس شورای ملی است در مجلس شورای ملی بنده بر عرض و کلا رسانم و در این جا این را فریاد بزنم که جگر عرض کنم

یک عرضی هم داشتم راجع ب کمیسیون اقتصادیات و از مخبر معترضش که مجلس این کمیسیونها را که انتخاب کرده برای تقسیم کار است

این مسئله تریاک و مسئله زراعت و تجارت عقیده بنده این است که هفته یکمرتبه مخبر کمیسیون اقتصادیات در مجلس خبر بدهد که در دنیا چه شده است راجع ب تریاک چه شده است

راجع بزراعت چه شده است

این یک مسئله است دیگر که میخواهم حال عرض کنم و از این اجازه که دارم استفاده کنم

مگر اینکه خدا بکفر می بکند

سال دیگر (بنده نمیخواهم بگویم طرف دار رعیت هستم خیر طرفه را خودم هستم) و الا سال دیگر باین ترتیب کسی پیدا نمیشود که او بنده کند و نان بیاورد

چون اداره از زان رفته است هر رعیتی هم که بکفر وار گندم دارد گرفته است برای نان تهران

بنده نمی گویم طرف دار آن رعیت هستم همان طور که لایحه اش پیشنهاد شد

چهار هزار نفر در شهر یار می مرد گفتند بپرند

بنده طرف دار آن ها نیستم

ولی این شکم نان میخواهد

بنده بشما عرض میکنم باین ترتیب که واقع شده است و این طوری که اداره از زان بازها یا ساخت گیری میکنند

سال دیگر نه درمندان نه در هراق نه کرمانشاه نه زنجان نه آذربایجان شما رعیت ندارید حالا که این طور است آقایان ما نمایندگان طهران تنها که نیستیم نماینده بدبخت هائی هستیم که زبانشان را بپا داده اند عقاید سیاسیشان را بپا داده اند امنیت و اطمینان و همه چیزشان را داده اند بما که بیاییم این جا و بگوئیم

بنده عرض میکنم سوال کنید

حمله بروایت نیست همه آقایان می دانند که بنده نهایت اطمینان را بر رئیس دولت و وزیر اعظم

اما سوال را هم میکنم من می گویم آخر چه فرق میکند رعیت طهران با رعیت هراق

بنده به آقایان عراقی و بیات عرض کردم آقایان شامخبر در این کافه‌هایی که از عراق بمن رسیده هر چه بیتی که یک خردار گندم دارد سر آن را نقل میکنند پس رعیت چه کار کند؟ مگر نباید سال آتی به برای شازراحت کند؟

ایشان یک سائلی است که باز هم عرض می کنم راجع بکمیسیون اقتصادیات است که مسئله زراعت و تجارت و ارزاق صحبت کنم این عرایض بنده بود که بر عرض مجلس رساندم

چندی از نمایندگان - صحیح است نایب رئیس - راجع بکمیسیون اقتصادیات که از طرف مجلس انتخاب شده رایورثی رسیده که در همین جلسه به عرض مجلس خواهد رسید. یک جمله راجع بتاریخ ایران اظهار کردند لازم میدانم جواباً عرض کنم: بهترین معرف از برای ملیت و قومیت سکنه هر ملک و از برای ترقیات عالیه او تاریخ اوست و تاریخ ایران هم همیشه مشتمل بوده است آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمدعلی طهرانی - تقریباً در دو ماه بلکه چهار ماه قبل از طرف انجمن اصناف تبریز یک کاغذی بنده نوشته شده که مالیاتی وضع کرده اند بر کتاب فروشها و خواش می کنم که این مسئله را بر عرض مجلس برسانید بعد کم کم مالیات بر صنف کفش دوز و بر صنف دیگر وضع شد. راجع به آقایان نمایندگان تبریز که با وزارت مالیه مذاکره کردند علی‌الوجه موقوف شده لیکن بنام عیالته چون وضع مالیات بر اصناف مغالط باصل ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ قانون اساسی است از این جهت است تقاضای من که راجع به این مسئله نوشته شود بعد از این چیزی را که مجلس تصویب نکرد تکرار نه و وضع مالیات نکنند این یکی از عرضم بود عرض دوم من این است که تقریباً زیاد از سه یا چهار ماه است که لایحه قند در مجلس تصویب شده و با جدیتی که آقای رئیس الوزرا در مسئله راه آهن ایران دارند هنوز در وزارت فوائد عامه با اینکه در مجلس مذاکره شد که پس از دو ماه این لایحه خط آهن مجلس می آید

بهر چه من را و جو حاصل ما را که راه آهن نیست باین جهت بنده تقاضا میکنم امر شود بوزارت فوائد عامه که علت تأخیر پیشنهاد لایحه خط آهن چیست هر چه مقتضی شد باید بمجلس اخطار کند که مجلس و مردم بدانند که در این دوره لایحه خط آهن تصویب نمی شود و پیش می رود یا خیر؟

سوم از مطالبی که میخواستیم بطور اختصار عرض کنم این بود که تقریباً در دو ماه و نیم قبل با سه ما قبل راجع بکنفرانس

تعدیه اسلحه اول کسی که در مجلس از وزارت خارجه سوال کردند بنده بودم بعد آقای سید یعقوب بعد سایرین هم سوال کردند بعد اثر مذاکره که آقای تنی زاده در این جا کردند سایرین حاضر شدند وزیر خارجه هم حاضر شد و یک بیاناتی کردند که هنوز آن بیانات ما را اذیت نکرده و چون مسئله مسئله مهمی است اگر چه هر نوع اقدامی که برخلاف استقلال ایران از هر کسی باشد بهیچ وجه رسمیت ندارد

لیکن مقتضی دانستم که امر شود وزیر خارجه با تشریف بیآورند در کمیسیون یا در مجلس آنچه که نامر و عملیات شده راجع بکنفرانس تعدیه اسلحه برای ما بیان کنند اسباب اذیت ما و اذیت ایران بشود بعضی از نمایندگان - دستور؟

نایب رئیس - وارد دستور شویم؟ (گفته شد بلی)

آقا سید یعقوب - بنده مطابق نظامنامه در یک کلمه ای آقای نایب رئیس فرمودند اجازه می خواهم توضیح عرض کنم نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در موضوع تاریخ که بنده عرض کردم بر خودم بر خود مجلس معلوم بود که بنده حال بکنفدری هضایی بود والا تاریخ ایران معلوم است قدمت خدمت و تمدن و دانشی و مقدم بودن ایران بر همه کس معلوم است نه اینکه بنده می خواهم نسبت بتاریخ یک توهینی کرده باشم نایب رئیس - اگر آقایان موافقت بفرمایند رایورث کمیسیون اقتصادیات حاضر شده قبل بر عرض مجلس برسد (گفته شد صحیح است)

(رایورث کمیسیون اقتصادیات بشرح آتی فراتر شد)

بطوری که در ضمن خبر شماره (۱) بر عرض رسانیده است در تعقیب اصولی که کمیسیون اقتصادیات در نظر گرفته بود اولاً قسمت راهها را مطرح شور قرار داده و در جلسات عیدیه با حضور آقایان رئیس دولت و وزیر مالیه و وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه و سایر آقایانی که حضورشان لازم می بود نسبت بضرورت مرمت کامل راههای ساخته شده سابق و ساختن راههای جدید

از قزوین بتبریز - از طهران ببوشهر - از طهران ببصره - از طهران به بار فروش مازندران و از مشهد از یک جانب به دزدآب و از طریق به همدان و ننگاهداری دائمی این طرق بوضع مطلوب و ضمناً تهیه وسایل تدریجی ساختمان راه آهن مذاکره موافقت حاصل و مطابق اطلاعات واصله از مستشار وزارت فوائد عامه (مستر چپل) از مبلغ هفتصد و بیست و پنج هزار تومان باجهای راه واصله در حدود ۲۱ هزار تومان به مصرف مرمت می رسیده و برای

ساختن راههای جدید فوق الذکر سی و هفت هزار تومان بر آورد خرج نموده بودند قسمت دیگر اقدامات فوری ممکنه برای فراهم نمودن موجبات ازدیاد وسایل بهبودی و ترقی وضعیت فلاح و قزوینی محصول لازم میبود و با همه ضرورت نظر به ضیق مالیه موافقت حاصل شد که عجلانکار حدود سالی یک صد هزار تومان به مصرف ازدیاد آب از قبیل بستن سد های لازم و آباد نمودن قنوات با اثره یا احداث قنوات ممکنه رساننده شود

چون در نتیجه موفقیت به مقاصد فوق مستلزم ایجاد منبع عایدی میبود که وضع مالیاتی جدید با شرط اختصاص فقط به مصارف فوق بیش نهاد مجلس شورایی می شود

لهذا با رعایت شرط فوق و رعایت آنکه متدرجاً در ظرف سه سال یا زودتر بکلی اخذ باج از طرق و شوارع موقوف گردد راجع بوضع مالیات به دو قسم منقسم شد یکی برای ایجاد واحداث راه آهن که از مر اخذ مالیاتی خاص از واردات قند و جای وشکر اهتمام بعمل آید و دیگری به جهت مرمت و نگاهداری راههای ساخته شده و ساختن راههای فوق الذکر بمتکامل شوسه و مبلغ اختصاص برای فلاح که مالیات خاصی با ملاک و مستلزمات واقعه در نواحی و محل آن طرق و واردات ایجاد پیشنهاد مجلس شورای ملی شود و در چند جلسه مواد مالیاتی مذکور فوق طرح و با اصلاحاتی تصویب و موافقت حاصل شد که از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی شود و شده است

در نتیجه این قسم بر آورد شد که از فوائد قند وشکر و جای به تصویب مالیات خاص چنانکه در مجلس شورای ملی تصویب شد سالی در حداقل هفت هزار تومان و از عوائد مالیات دیگر بشرح مروره سالی سه هزار تومان عایدی جدید حاصل خواهد بود و با اعتبار همچو عوائد بطوری که در نظر گرفته شده موفقیت به مقاصد فوق اشکان و مانعی نخواهد داشت

قسمت دیگر که دو کمیسیون مذاکره و نتیجه آن بوسیله اعضاء کمیسیون در مجلس شورای ملی عرضه و پیشنهاد و تصویب شد آزاد بودن ورود هر گونه ماشین آلات و ادوات فلاحی از حقوق گمرکی و باج راه که یک قسمت موفقیت در اصلاحات فلاحی را کمک نماید

برای ازدیاد زراعت جای و اتخاذ اصول صحیح از حیث پرورش محصول آن مذاکرات زیاد بعمل آمده و در نتیجه وزارت مالیه راجع به بودجه آن موافقت حاصل نمود و وزارت فوائد عامه بر آن شد که نخست متخصصی مجرب استخدام و دعوت نماید تا در تحت اصول صحیح اقدام و مقصود

بوجه نیکو حاصل شود کمیسیون اقتصادیات در همین انجام مسائل فوق نسبت به مساعدت در احیای کارخانجات قند سازی و ریسمان تابی احداث کارخانجات مفیده - ایجاد بانک فلاحی - بستن سد ها و فراهم نمودن ازدیاد آب و موجبات احیاء و فزونی محصولات فلاحی ازدیاد وسایل حاصل ابریشم بطرز عملی و صحیح - موجبات رفع نواقص قالی و سایر صنایع ملکیتی برای موفقیت در میدان مبارزه همکاری و اتخاذ ترتیبی کاستن از استعمال تجملات و غیره مذاکراتی طرح نموده

ولی چون کمیسیون اقتصادیات کمیسیونی است مبتکر و ضمناً از بسی نقاط نظر معتقد است که همواره هر نقشه و فکری را پس از صورت عملی پیدا نمودن و موفقیت ذکر نماید امیدوار است در مواقع مقتضی نسبت به هر قسم دیگر از بر خوردار های خود خاطر محترم نمایندگان عظام را آگاه و متوجه سازد مخبر کمیسیون اقتصادیات کیخسرو شاهرخ

نایب رئیس - آقای مدرس راجع به این موضوع فرمایند داشتید؟ مدرس - معذرت میفرمایم کرد؟ نایب رئیس - مطرح شدنش موکول با اجازه مجلس است اگر آقایان موافق باشند تطبیق و توزیع شود بعد در هر جلسه که مقرر بفرمائید مطرح شود

از طرف نمایندگان - صحیح است نایب رئیس - یک سهولت نسبت به ماده العاقبه پیشنهادی آقای حائری زاده شده است قبلاً هم آقای حائری زاده بآن اشاره کردند اگر مجلس موافقت دارد هر دو ماده که محل اختلاف است به عرض برسد بعد هر طور که بفرمائید عمل شود اولاً ماده ۲۸ تصویبی جدید به عرض مجلس می رسد

(بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۲۸ - انتخاب کنندگان پس از گرفتن تعرفه بلافاصله بنوبه اینکه از انجمن خارج شوند ورقه رای خود را در حضور نظار درجه به رای انداخته تعرفه خود را به متشی انجمن می دهند که باطل نموده به صاحب آن مسترد دارد

نایب رئیس - البته مقصود از این ماده چنانچه همه آقایان در نظر دارند این است که در حین که وارد انجمن می شوند تعرفه بگیرند و در همان مجلس رای بدهند ولی ماده ۲۸ قانون سابق اشاره بآن ترتیب سابق دارد دستور امروز اولاً بقیه شورفانی خبر

که دارندگان تعرفه بعد از حضور در انجمن این است که به عرض مجلس میرسد (ماده ۲۸ سابق بشرح ذیل فراتر شد) ماده ۲۸ - هر یک از دارندگان ورقه تعرفه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه ورقه رای خود را یکی از اعضاء که برای اینکار معین شده است می دهد گیرنده تعرفه ورقه را بصورت بلند میگوید نامش اینچنین نموده ورقه را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا کرده نشان کند پس از نشان کردن ورقه گیرنده تعرفه آنرا ابطال نموده صاحبش روی نماینده ورقه رای او را بدون نگاه کردن درجه به انتخاب می اندازد صاحبان تعرفه با احتیاط مواردی که تجرید انتخاب لازم شود تعرفه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه رای ویس گرفتن تعرفه باطله در صورت تنگی جا و اختلال نظم و ترتیب انتخاب بامرئیس از مجلس انتخاب خارج میشوند

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - این دیگر محتاج بمذاکره نیست یک ماده را بجای ماده دیگر مجلس تصویب کرد جمع بین این دو ماده که ممکن نیست یک ماده که در مقابل ماده دیگر تصویب شد بالعقبه ماده اولیه مانعی است نهایت این است که ایشان فراموش کردند در ضمن موادی که پیشنهاد کردند که برای باقاه آنها بدهند ذکر بکنند و حال آنکه این هم چندان لزومی ندارد زیرا ماده قبل مانعی است و ماده جدید قائم مقام آن است ولی حالا بالاخره باید برای لغو کردن ماده قدیم رای گرفت و چیزی نیست که قابل مذاکره شود

نایب رئیس - آقای سلطانی (اجازه) سلطانی - بنده هم همین طور می خواستم عرض کنم نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - بنده هم با آقای کازرونی موافقم

نایب رئیس - رأی می گیریم باضافه کردن ماده ۲۸ سابق چون در پیشنهاد شماره بماده ۲۸ بق نشده بود بنابراین اگر مجلس تصویب بفرمائید جزو مواد معذوفه می شود

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد دستور امروز اولاً بقیه شورفانی خبر

کمیسیون قوانین مالیه راجع بمقانیات انوموبیل گبریت سازی است ولی رایورثش هنوز از کمیسیون نرسیده آقای فاطمی (اجازه) فاطمی - در جلسه گذشته چون در کمیسیون اکثریت نشد نتوانستم آن را حاضر کنیم امروز کمیسیون منعقد میشود رایورثش تقدیم و در جلسه دیگر مطرح میشود نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه) اخگر - چنانچه در جلسه سابق عرض کردم پیشنهاداتی بکمیسیون مبتکران رسیده است و حال آنکه کمیسیون هنوز میشود و این پیشنهادها باید در مجلس مطرح شود آنچه که باید رد شود و آنچه قابل توجه است قبول بشود

بعضی از این پیشنهادها هم خیلی مفید بوده ولی بواسطه تنگی مجال مطرح نشده است که معلوم شود قابل توجه است یا نه همان طوری که در جلسه سابق عرض کردم استدعا میکنم در اول جلسه رایورثی که حاضر است مطرح شود اگر قابل توجه است قبول بشود

بعضی از این پیشنهادها هم خیلی مفید بوده ولی بواسطه تنگی مجال مطرح نشده است که معلوم شود قابل توجه است یا نه همان طوری که در جلسه سابق عرض کردم استدعا میکنم در اول جلسه رایورثی که حاضر است مطرح شود اگر قابل توجه است قبول بشود

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - بنده مخالفتی با پیشنهاد آقای اخگر ندارم لیکن می خواستم تذکر بدهم که خوب است آقایان مساعدت بفرمائید قانون بلدی که تجدید نظر شده جل دستور شود - معنای مشروطیت ما چه چیز است؟ نایب رئیس - بنسبت پیشنهاد آقای اخگر مخالفتی نیست؟ (گفته شد خیر)

نایب رئیس - معذرت میفرمایم (خطاب آقای اخگر) خوبست تعیین بفرمائید که چند عدد از رایورثهای کمیسیون مبتکران مطرح شود

اخرگر - هفده فقره رایورث است هر کدام را مطرح میفرمائید بفرمائید نایب رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای اخگر

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد

نایب رئیس - رأی می گیریم باضافه کردن ماده ۲۸ سابق چون در پیشنهاد شماره بماده ۲۸ بق نشده بود بنابراین اگر مجلس تصویب بفرمائید جزو مواد معذوفه می شود

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) نایب رئیس - تصویب شد دستور امروز اولاً بقیه شورفانی خبر

مخصوص ارجاع گردد نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - اگر مخالفتی داشت بنده عرض میکنم نایب رئیس - آقای بهار (اجازه) بهار - بنده در این باب عرضی ندارم نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه) کازرونی - بنده عرضی ندارم نایب رئیس - آقای دکتر آقاییان (اجازه) دکتر آقاییان - موافقم نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه) ارباب کیخسرو - موافقم نایب رئیس - مخالفتی نیست؟ آقا سید یعقوب - بنده مخالفم نایب رئیس - بفرمائید آقا سید یعقوب - این طرح خیلی خوب طرحی است اما اینکه کمیسیون مخصوص معین شود غالب آقایان که در کمیسیون هستند گمان میکنم دیگر کسی نباشد که برای این کمیسیون خصیصی انتخاب شود باین جهت بنده پیشنهاد میکنم یا بکمیسیون قوانین مالیه یا بکمیسیون فوائد عامه برود یا اینکه خیر همان کمیسیون قوانین مالیه رایبند پیشنهاد می کنم که عملی بشود والا کمیسیون مخصوص بنده گمان نمی کنم عملی شود مخبر - علت اینکه کمیسیون مبتکران پیشنهاد کرده است که یک کمیسیون مخصوص انتخاب شود این است که منع تریاک در داخله ایران هم از حیث مربوط بودن به امور خیلی اهمیت دارد و هم از حیث مربوط بودن بامور سیاسی

این است که بکمیسیون مبتکران پیشنهاد کرده است کمیسیون مخصوصی انتخاب شود این است که منع تریاک در داخله ایران هم از حیث مربوط بودن به امور خیلی اهمیت دارد و هم از حیث مربوط بودن بامور سیاسی

این است که بکمیسیون مبتکران پیشنهاد کرده است کمیسیون مخصوصی انتخاب شود این است که منع تریاک در داخله ایران هم از حیث مربوط بودن به امور خیلی اهمیت دارد و هم از حیث مربوط بودن بامور سیاسی

این است که بکمیسیون مبتکران پیشنهاد کرده است کمیسیون مخصوصی انتخاب شود این است که منع تریاک در داخله ایران هم از حیث مربوط بودن به امور خیلی اهمیت دارد و هم از حیث مربوط بودن بامور سیاسی

این است که بکمیسیون مبتکران پیشنهاد کرده است کمیسیون مخصوصی انتخاب شود این است که منع تریاک در داخله ایران هم از حیث مربوط بودن به امور خیلی اهمیت دارد و هم از حیث مربوط بودن بامور سیاسی

است که مربوط بمعارف است اصلاً منع استعمال تریاک از نظر حفظ الصحة است بعد اگر منع شد از آن کمیسیون بیک کمیسیون دیگر برود مخبر - خوبست اساساً راجع بقابل توجه بودنش رأی بگیریم بعد راجع به کمیسیون نایب رئیس - آقای سهراب زاده (اجازه) سهراب زاده - بنده هم در موقع ارجاع بکمیسیون عرایضم را خواهم کرد نایب رئیس - آقای مدرس (اجازه) مدرس - بنده عقیده ام بر اینست که باید بکمیسیون عدلیه برود کلام بر سر مالیه نیست کلام بر سر ضرر داشتن و تلخ بودن نیست که کمیسیون معین کند که تلخ است یا نیست این لایحه را اگر ملاحظه فرمودید مجازات است که از برای تریاک کشی معین می کنند که آن تریاک کشی که تریاک مجازت شود والا از حیث حفظ الصحة گویا محل شبه نباشد که به کمیسیون رجوع شود نایب رئیس - نسبت باصل مذاکره کافی است؟ (گفته شد بلی) نایب رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این طرح

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) نایب رئیس - قابل توجه شد نسبت بکمیسیون هر کدام از آقایان نظری دارند کتباً پیشنهاد بکنند آقای شریعت زاده (اجازه) شریعت زاده - چون بنده تصور می کنم علت اصلی در تقدیم این طرح رفع مضرات تریاک است از این نقطه نظر فرمایشات شاهزاده محمد هاشم میرزا را موجه می دانم و تصور میکنم اول کمیسیون صلاحیت دار کمیسیون معارف است

البته ممکن است در آن جا نظری اتخاذ شود و بکمیسیون های دیگر هم در صورتیکه ضرورت داشته باشد اخطار شود مفایده آنها را هم جلب کنند در هر صورت مرجع اصلی کمیسیون معارف است نایب رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت می شود (بشرح ذیل) بنده پیش نهاد حفظ الصحة و معارف رج

البته ممکن است در آن جا نظری اتخاذ شود و بکمیسیون های دیگر هم در صورتیکه ضرورت داشته باشد اخطار شود مفایده آنها را هم جلب کنند در هر صورت مرجع اصلی کمیسیون معارف است نایب رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت می شود (بشرح ذیل) بنده پیش نهاد حفظ الصحة و معارف رج

البته ممکن است در آن جا نظری اتخاذ شود و بکمیسیون های دیگر هم در صورتیکه ضرورت داشته باشد اخطار شود مفایده آنها را هم جلب کنند در هر صورت مرجع اصلی کمیسیون معارف است نایب رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا قرائت می شود (بشرح ذیل) بنده پیش نهاد حفظ الصحة و معارف رج

محمد هاشم میرزا - آنچه که بنده عرض کردم مقصود این بود که يك طرحی باید قابل اجرا باشد و باید که کمیسیون حفظ الصلحه از نقطه نظر صحتی آن را ببینند و يك ترتیبی بدهند که ممکن الاجراء باشد

الآن چندین هزار نفر ممکن است در مملکت ما انبوهی و مبتلایان بایفون باشند حالا اگر در کمیسیون عدلیه معین شود که هر کسی تریاک کشید او را فلان مقدار حبسش کنند فایده ندارد

کمیسیون حفظ الصلحه باید اولاً ترتیب اجرای آن را بدهد بعد که يك نظامنامه و ترتیبی برای آن معین کردند آن وقت برای متذللین آن مواد جزا معین میکنند

هر وقت نوبت جزا رسید البته بکمیسیون عدلیه خواهد رفت ولی اولاً مستقیماً بکمیسیون حفظ الصلحه باید برود

مخبر معصوم داد این پیشنهاد این نیست که بخواهیم تازه به فهمی ترک تریاک چه مانع صحتی دارد یا نه که تازه بکمیسیون حفظ الصلحه برود که آنجا ببینند ضرر دارد یا ندارد

این يك مسئله است بدیهی و معلوم شده است که ضرر دارد

بنده هیچ مناسبتی مابین این پیش نهاد و مراجعه بکمیسیون حفظ الصلحه نمی دانم

نایب رئیس - رأی می گیرم پیش نهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا آقایان تصویب کنندگان قیام فرمایند

(چند نفر قیام نمودند)

نایب رئیس تصویب نشد

پیش نهاد آقای مدرس و یاسانی در يك زمینه است و هر دو ارجاع بکمیسیون عدلیه است (شرح ذیل قرائت شد)

پیش نهاد آقای مدرس - بنده پیش نهاد می کنم رجوع بکمیسیون عدلیه شود

پیش نهاد آقای یاسانی - بنده پیشنهاد میکنم بکمیسیون عدلیه برود

مخبر - قبول می کنم

بعضی از نمایندگان - مربوط بشما نیست که قبول می کنید

کازرونی - بنده مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

کازرونی - عرض میکنم این قانون را نوشته اند برای اینکه بین دو مقام تریاک کشی را چطور باید مجازات کرد

قبل از اینکه ما يك قانونی برای منشی وضع کرده باشیم

اولاً این قانون باید برود بيك جایی و تصویب کنند که آیا کشیدنش باید ممنوع نباشد یا با خدا و گرمی است برای جلوگیری چه اقدامی میکنند

از يك طرف بنده ملاحظه می کنم كاملاً مربوط بمالیه است

چون ضرر بمالیه می خورد و باید يك قانونی از نقطه نظر مالیه وضع بکنند از يك طرف دیگر مربوط بکمیسیون فواید عامه است

از طرفی هم بالاخره در کیفیت اجرای مربوط می شود بکمیسیون عدلیه و نهایت يك قسمتهای مجازاتی ندارد آقایان تصدیق می فرمایند که ما در اکثر قوانینی که وضع کردیم يك موادی هم راجع بمجازات در آنها ذکر شده است

پس این قانون هم باید بکمیسیون عدلیه ارجاع شود برای تعیین مجازات مرتکبین آن هم چنین چون قسم اعظمش مربوط بمالیه است بکمیسیون مالیه باید که کمیسیون خاصی رجوع شود که مرکب از هر يك از این کمیسیون ها باشد

نایب رئیس - برای اینکه پیش نهاد آقای یاسانی و مدرس مهم نمائند قبلاً خوب نظر به آقایان معلوم شود این طرح که به کمیسیون عدلیه ارجاع شد آیا برای کمیسیون عدلیه که معلوم شد قاطع خواهد بود یا باید راپورت آن بمجلس بیاید

مدرس - بنده نظرم این نیست که در کمیسیون عدلیه قطع شود البته کمیسیون باید در آن نظر کند و در مرتبه بمجلس بیاید این نظر بنده است

نایب رئیس - پس همین طور اصلاح می شود رأی می گیرم پیش نهاد آقای مدرس و یاسانی بترتیبی که عرض شد آقایان که موافقت قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد طرح قانونی آقای سهراب خان قرائت می شود

(خبر کمیسیون مبتکران راجع بتعلیم عمومی شرح ذیل خوانده شد)

طرح قانونی - سهراب خان ساکنان راجع بتعلیمات ابتدائی عمومی در کمیسیون مطرح مذاکره گردید پس از مذاکرات زیاد اساساً طرح مزبور را کمیسیون قابل توجه دانسته پیشنهاد می نماید بکمیسیون معارف مراجعه شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم که این طرحی است که محتماً مستلزم معارف است ما همیشه صحبت میکنیم تعلیم عمومی بلی بنده هم خیلی میل دارم که در علم و تربیت از امریکاهم جلو بیفتیم اما بگفتن حلوا که دهان شیرین نمیشود نه اینکه همیشه بگوئیم تعلیمات در مملکت ما اجراء شود آخر فکری و ناسی را هم بکنیم بنده که بيك نفر از نمایندگان هستم نمیتوانم رأی بدهم که مالیات دیگری وضع شود شما هم بفرمائید تمام افراد مملکت ملائکه خواهند شد

بنده که نمی توانم رأی بدهم که افراد ملائکه بنهوند این طرح مستلزم يك معارفی است و آیا کمیسیون محترم در این موضوع با نماینده دولت مذاکره کرده اند یا اینکه همین طور تصویب کرده اند

بنده هم خیلی عشق بمعارف دارم اما معارف دارد و در صورت نبودن پول چه فایده دارد

حالا اگر ما بیایم و در مجلس باین طرح رأی بدهیم رأی مجلس بی اثر میماند چون ما از مالیه راز خزانه دولت اطلاع داریم و لایحه خرج و دخل دستمان است از این جهت بنده مخالفم

مخبر - فرمایشات سابق آقای آقا سید یعقوب مخالف با فرمایشات امروزشان بود که هیچکس در این مملکت متکبرش نیست و یابستی در این مملکت به روسیله که ممکن است تعلیمات عمومی اجراء شود فقط افرادی که فرمودند این بود که آیا کمیسیون در نظر گرفته اند که این طرح معارجی دارد یا نه و بطور قطع فرمودند که اگر معارج داشته باشد بنده حاضر نیستم رأی بدهم خیلی خوب حضرت عالی رأی ندهید

شاید خیلی از آقایان باشند که حاضر باشند برای تعلیمات عمومی رأی بدهند بلکه عیناً موضوع بحث ما این نیست

موضوع بحث این است که اگر از خود آقای آقا سید یعقوب بپرسند که تعلیمات ابتدائی عمومی در مملکت لازم خواهد فرمود لازم است کمیسیون مبتکران تشکیل میشود برای اینکه در پیش نهاد هائی که بان کمیسیون برسد مطالعه کنند و ببینند قابل توجه است یا نه و البته کمیسیون مبتکران طرح تعلیمات ابتدائی را قابل توجه که میدانند سهل است قابل تعقیب هم میدانند و اگر به قسمت اخیر راجع مراجعه بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که در آنجا پیشنهاد کرده ایم که این طرح پس از قابل توجه شدن بکمیسیون معارف برود و البته آن کمیسیون هم در اطراف آن مطالعه میکنند و راپورت خودشان را بمجلس تقدیم مینمایند

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده موافقم و استدعا میکنم که خود طرح هم خوانده شود تا آقایان مسیوق شوند

نایب رئیس - آقای فاطمی (اجازه)

فاطمی - بنده هم با خود طرح هم با قرائت آن مخالفم و هیچ مخالفتی هم با تعلیمات عمومی و اجباری ندارم ولی همیشه باید طرفدار يك کاری باشیم که صورت

عمل هم بخود بگیرد البته کمیسیون مبتکران وظیفه اش این است که هر طرحی که به آنجا مراجعه شود ملاحظه کند و ببیند که قابل توجه است یا نه

اما قابل توجه یعنی چه از نقطه نظر بدی و خوبی؟ بنده هم میگویم که تعلیمات ابتدائی اجباری است ولی کمیسیون مبتکران باید ببیند که امروز و سالتش موجود هست یا نه و بوجه اش هست معلومش هست مدیر هایش پیدا میشود یا نه

آفتاب این طرح را قابل توجه بدانید والا از اینکه يك رفع زحمتی از خودتان بکنید و در مجلس هم بيك کلمات خوبی گفته شود اینک فایده ندارد

اول باید دید که امروز سالتش موجود است یا نه و فایده دارد که این طرح قابل توجه بشود یا خیر

نه اینکه این طرح قابل توجه بشود و بعد به يك کمیسیونی هم مراجعه شود و هی مردم هم منتظر باشند که چه وقت از آن کمیسیون ثانوی بیرون خواهد آمد پس امروز اشکالات آن را میگوئیم و میگوئیم که بوجه برای آن نداریم معلم نداریم

مگر ما از وضعیت مملکت خودمان خبر نداریم؟ با تمام این اشکالات بنده عرض میکنم که این طرح بعقیده من امروز قابل توجه نیست

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده حقیقتاً بسامه خود و رفقای خود خیلی سنکرم می آید که امروز در مجلس شورای ملی صحبت تعلیم اجباری که میشود يك سخن مخالفی هم بلند شود نه پول نداریم اگر مالیات مملکت دو مقابل بشود من متقدمم که باید مقدمات تعلیم اجباری فراهم شود برای اینکه هر وقت هم بخواهیم مقدمات آن را هم تهیه کنیم همین حرفهاست

حکومت شوروی همسایه ما نصف عایدات مملکتش را صرف صحبه معارف میکند خیلی فرابت دارد که این مملکت شش صد هزار تومان خرج معارفش بشود! بالاخره باید يك زوروی این قدم برداشت و بنده از نماینده محترمی که این طرح را پیشنهاد کرده اند تشکر میکنم و استدعا میکنم که يك کمیسیون خاصی برای رسیدگی باین کار معین شود که در آن مطالعه کنند و زودتر راپورت آنرا بمجلس بیاورند

نایب رئیس - آقای دستغیب دست غیب - موافقم

نایب رئیس - آقای سلطانی سلطانی - موافقم

نایب رئیس - آقای یاسانی یاسانی - موافقم

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بنده عقیده ام این است و ناشایست میدانم که مجلس شورای ملی در این امور تقریبی قدم بزند

(همه هم بین نمایندگان - این طور نیست)

کازرونی - گوش بدهید گوش بدهید شوخی می کنید

اما دره موضوع تعلیم عمومی رجالاً و نساءً مسلم است کمیسیون مبتکران که موافق است سهل است تمام مردم هم موافقت اما آیا یواش را داریم و سالتش را داریم و آیا با وزیر مسئول مشورت کرده ایم؟

در قانون مصرح است که باید وزیر مسئول را آورد و با او استشاره کرد آیا کمیسیون مبتکران وزیر مسئول را خواسته است و با او مشورت کرده است که عملی بشود یا نه؟

آیا شایسته این بود که ما بيك چنین قانونی را بیاوریم در مجلس و آن وقت بگوئیم پولش را نداریم آیا انکس این کار خوب است؟

بنده هم فردا پیشنهاد میکنم بیست و پنج کشتی در بندنات و بیست و پنج موشک شکن در دریاهای مملکت بيفتند برای حفظ خلیج فارس برای حفظ قلمرو مملکت کسی مخالفش است؟

و اما کسی مخالفش است که مادارای چنین کشتی هائی باشیم؟

اگر کشتی نداشته باشیم که خلیج را نمیتوانیم محافظت کنیم؟ و آیا کسی مخالف است که ما بکراه آن تحت الارضی داشته باشیم

بسیار خوب هم هست ملل متدنه هم همه دارند بالاخره بنده قانوناً حرف میزنم و میگویم که کمیسیون مبتکران وزیر موظف را آورده است و با او مشورت کرده است یا نه؟

اگر با وزیر مسئول مشورت نکرده اند آن وقت این قابل این نیست که در اطرافش مذاکره بشود و همینطور خوب انداز که خوب نیست و آوردن بيك چیزهای غیر جدی به مجلس اسباب سر افکنگی و رسوائی است

نایب رئیس - آقای سهراب خان (اجازه)

سهراب خان - بنده عرض میکنم چون طرح پیشنهادی بنده را آقایان نمایندگان مطالعه نکرده اند اینطور حرف میزنند اصل مقصود در این پیشنهاد طرح قانونی این بوده است که تحمیلی بر دولت نشود

اگر آقایان نمایندگان طرح را مطالعه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که معارج بر سه قسم منقسم شده بيكی از طرف

دولت قسمت دیگر از طرف اولیای اطفال و بيك قسمت هم از طرف اهالی این طرح مثل در بندنات نیست

این طرح بيك طرحی است که ممکن است با بوجه امروزه عملی و اجرا شود بنده در مدت يك سال مطالعه کرده ام و بسا مطالبات زیاد دیدم علاج دیگری ندارم غیر از اینکه باین ترتیب تعلیمات ابتدائی اجباری را به مجلس پیشنهاد کنم و اگر این پیشنهاد در مجلس قبول شود از همین اسمال ممکن است این قانون را اجرا کرد و بنده از نمایندگان محترم تقاضا می نمایم که بقابل توجه بودن این طرح رأی بدهند بعد از آن برود به کمیسیون معارف و اگر تقریبی لازم باشد در آنجا بدهند و آفتاب خواهند دید که فقط ترتیب تعلیم اجباری این است که بنده اینجا پیشنهاد کردم

آقا سید یعقوب - بنده اخطار نظامنامه دارم

اجازه میفرمائید

نایب رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده خواستم از آقایانی که اینطور به بنده حمله کردند سؤال کنم که مطابق ماده ۳۹۰ مابنده دولت را در کمیسیون خواسته اند و در این باب با او صحبت کرده اند یا خیر

آیا این نظامنامه است که برای ما نوشته اند که اگر بيك چیزی بمجلس بیاید در صورتی که خرج داشته باشد باید نماینده دولت را بخواهند و صحبت کنند آیا کمیسیون این کار را کرده است یا نکرده است؟

نایب رئیس - این اخطار راجع بآقای مخبر بود

مخبر - بنده جسارتی به آقای آقا سید یعقوب نکردم فقط از کیفیت فرمایشاتشان تعجب کردم و این هم البته اشتباهی نیست برای اینکه آقای آقا سید یعقوب همیشه راجع به معارف اظهاراتی میفرمودند و حالا فرمودند خوب نیست و راجع باین هم که میفرمایند که وزیر مسئول را خواسته آید و با او مشورت کرده آید یا نه؟

بنده میخواهم سؤال کنم که تعلیمات عمومی اجباری تا کثون سابقه داشته است که بنده وزیر مسئولی برای او بشناسم این راجع بوزارت معارف است و با وزیر معارف هم مذاکره شده است و قبول کرده اند که برای رسیدن بنظر ایشان ارسال شود

بنابراین لازم است قابل توجه بشود و بکمیسیون معارف برود و از آنجا بوزارت معارف ارسال بشود و در کیفیت اجرای این مذاکره کنند والا در اصل اینکه باید تعلیمات ابتدائی عمومی را در مملکت جریان داد نه وزیر معارف مخالف بود نه هیچ يك از وزرای وقت و در اصل موضوع سؤال شده و موافقت کرده اند و ما هم

پیشنهاد کرده ایم که بکمیسیون معارف رجوع شود و در آنجا مطالعه و دقت شود و راپورتی که عملی باشد تهیه نموده بدهند

نایب رئیس - بنده تصور میکنم که ارجاع این طرح بکمیسیون معارف تنها کافی نباشد بکمیسیون قوانین مالیه هم باید ارجاع شود به جهت اینکه جنبه وضع مالیاتی دارد

مخبر - قبول میکنم

جمعی از نمایندگان - مذاکره کافی است

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن این طرح

سهراب زاده - بنده پیشنهادی کرده ام راجع به خروج از دستور و مقدم است

نایب رئیس - حق با شماست است و ای بعد از این امضایان را واضحتر بنویسید که خواننده شود

(پیشنهاد آقای سهراب زاده اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از دستور این لایحه خارج شود

سهراب زاده - بعقیده بنده دو نظریه در مجلس است و هر دو نظریه هم با تعلیمات اجباری مجانی موافقت ولی این لایحه بيك توافقی دارد که بعضی از آقایان از آن نقطه نظر مخالف میکنند و حق هم با آنها است

مثل اینکه آقای آقا سید یعقوب مذاکره کردند که آیا با نماینده دولت مذاکره شده یا نه؟

این حرف اساساً صحیح است بعقیده بنده خوب است این راپورت را بکمیسیون برگردانند و نماینده دولت را هم بخواهند اگر نماینده دولت موافقت کرد که مجدداً بمجلس بیاورند والا که هیچ

مخبر - بنده همانطور که در جواب آقای آقا سید یعقوب عرض کردم باز عرض میکنم نماینده دولت مذاکره شده و قابل توجه هم دانسته اند و ما هم پیشنهاد کردیم و بیش از این هم در این موضوع عرض نمیکنم

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای سهراب زاده آقایان تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این طرح با ارجاع بکمیسیون مالیه و معارف

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - قابل توجه شد

(زایرت کمیسیون مبتکران راجع به طرح قانونی آقای افشار بشرح آتی خوانده شد)

ماده واحد - مجلس شورای ملی به وزارت مالیه اجازه میدهد که شهور و توابع خط اروپا را از تاریخ ۱۳۰۲ تا مدت سه سال از تأدیبه مالیات مستقیم معاف دارد

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اولاً عقیده خودم را عرض میکنم که آقایان به بنده حمله نکنند بنده میدانم که اروپا مورد ناخت و تاز واقع شده در دوره چهارم همین مسئله محل توجه مجلس و تمام نمایندگان آنرا بجان واقع شده و بالاخره نمایندگان آنرا بجان پیشنهاد کردند و دولت صدها تومان اعانه برای اروپا معین کرد و بنده از خود نماینده محترم اروپا تصدیق میفرمواهم که ای ایران بوده است که گرفتار چپاول و فارت نبوده است اگر ما بخواهیم این پیشنهاد را قبول کنیم

بنده می دانم طرف بورا احمد شیراز و طرف بهمان که تازه در اثر سرتیبه می خواهد بيك امنیتی پیدا کند همین تقاضا را میکند

بالاخره همه همین حال را دارند کرمان و خراسان نصفش چپاول شده است این ما باید در مقام تضاد مجلس واقف شده که تمام ایران را غربا و شرقاً و شمالاً و جنوباً در تحت نظر بگیرد

البته تمام مملکت فارس و همدان و خراسان و کرمان و آذربایجان تماماً در نظر ما علی الحویه هستند و ما نماینده ایران هستیم و دولت که محل اعتماد ما است نظر میکند در هر جا که دید لازم بتغذیف است پیشنهاد میکنم وقتی ما بخواهیم این را قبول کنیم همه جا بنده در میآید آخر هم موکل داریم آفتاب تکلیف مشکل می شود و همه می گویند شما در مجلس بودید و اروپا مستثنی شده و اروپا دیگر مالیات نخواهد داد و آفتاب آنها هم همین انتظار را دارند

پس بنده معتقدم که این مسئله را به دولت پیشنهاد کنند دولت هم بعد از آنکه مقش را نه کرد و تحقیقات خودش را کرد و دانست که اروپا به جای دیگر معاف ناخت و تاز واقف شده است آفتاب پیشنهاد میکنم ما هم برای

اما مجلس اروپا را از مالیات معاف کند و جاهای دیگر که محل ناخت و تاز واقف شده اند معاف نشوند خوب ترتیبی نیست آفتاب فراموش آقای آقا سید یعقوب را حین که نماینده بر وجود هستند ایشان هم برای بر وجود همین پیشنهاد را میکنند از این جهت بنده مخالفم

نایب رئیس - آقای افشار (اجازه)

افشار - وزارت مالیه از سه سال قبل با اینطرف در اثر ناخت و تاز و غارتها می

که نسبت به اروپا واقع شد مالیات نمی گیرد.
بعلاوه رعیت مالیات را برای چه می دهد؟
برای اینکه از مضرات مصون باشد در صورتیکه در اثر بی میلانی دولتهای وقت قسمتی از مملکت مورد تاخت و تاز واقع شده اند.

البته اینها حق دارند که از تادیب عوارض دولتی معاف باشند و اروپا از سه سال قبل با نظریه به موجب تصدیق وزارت مالیه مالیات نمی دهد و این پیشنهادیکه بنده کرده ام نه از نقطه نظر اینستکه وزارت مالیه اروپا را از مالیات معاف بدارد بلکه مقصود اینست که این مجلس را که وزارت مالیه تاکنون از آنجا چیزی مأخوذ نداشته است مجلس صورت قانونی بدهد که بعدها ما درین مالیه بعنوان موقوفه المطالبه بودن از آن ها مطالبه مالیاتی نکنند

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده فقط خواستم تکلیف مجلس را در مقابل کمیسیون مبتکرات معین کنم.

بعد از این هر کس می تواند بر وفق آرزوی خودش یک طرحی بدهد می رود در کمیسیون مبتکرات حالا نه تنها کمیسیون بلکه تمام اهل عالم اساساً موافقت با این قبیل طرحها و کمیسیون مبتکرات بدون اینکه یک فکری در اظهارش کرده باشند که ببینند خوبست یا بد است عملی هست یا عملی نیست می آید در مجلس و یک مذاکره هم درش می شود و یک مقدار هم وقت مجلس ضایع میشود بالاخره می رود یک کمیسیونی و دفن می شود البته این موضوع را باید جلو گیری کرد.

قانون این قبیل چیزها را پیش بینی کرده مخصوصاً در موضوع همین طرح و همین پیشنهاد بایستی نماینده وزارت مالیه را دعوت کرده باشند در کمیسیون و نظریاتش را جنب کرده باشند و در ذیل رایوتیکه می دهند بنویسند که نماینده وزارت مالیه یا وزیر مالیه را حاضر کردیم او هم موافقت کرد یا مخالفت کرد آنگاه آن طرح را بیاورند در مجلس همین طور بنده هم فردا یک پیشنهاد میدهم که از فارس هم مالیات گرفته نشود اما این عملی نیست حقیقت وقت مجلسرا بطور ضایع شود در صورت بنده سؤال میکنم از آقای مغیر معتمد که آیا وزارت مالیه را درین موضوع دعوت کرده اند و مذاکره کرده اند و موافقت کرده است یا خیر و اگر موافقت کرده است

چرا در راپرت ذکر نکردند بنده می خواهم عرض کنم برای جلو گیری از

تخصیص وقت مجلس و عدم ارتکاب بکمال بیهوده خواستم مجلس معتمد این مسئله را کامل در نظر بگیرند که نظارت پیدا نکنند. مخیر فرمایشات آقای کازرونی بر چند قسمت بود

اولاً این طوری که فرمودند مثل این بود که آزادی و کلا راجع ب دادن طرحها محدود شود و فرمودند فائده ندارد. چرا باید هر روز یک کبلی یک طرحی پیشنهاد کند می خواهد بدهد فرمایشی که از طرف آقایان نمایندگان می آید ما بینه ازیم دور این طور نیست ما تکلیفمان اینست که نگاه کنیم اگر قابل توجه است قبول کنیم و الا رد کنیم و اینکه فرمودند کمیسیون مبتکرات باید نظریه وزیر مسئول راجع ب این باشد

البته کمیسیون بوظیفه خودش عمل کرده است و لازم نیست که برای هر راپرتی بنده عرض کنم که با وزیر مسئول صحبت شده است یا نه و علاوه بر اینکه با وزیر مسئول مذاکره شده است اساساً سه سال است که علا وزارت مالیه بواسطه عدم امکان از اروپا مالیات نمی گیرد چیزی که هست اگر این پیشنهاد تصویب شد یک کاری که وزارت مالیه کرده است صورت قانونی پیدا می کند.

نایب رئیس - آقای رضوی (اجازه)
رضوی - بنده هم مخالفم بجهت اینکه می بینم کار مجلس کاملاً افراط و تفریط است از یک طرف می بینم که بعضی مالیاتها را القا می کنیم که یکجا بدهد و یکجا ندهد از طرف دیگر یک لواجی می آید که چند کرور خرجش می شود آخر اینها از کجا می آید و یکجا خرج می شود اول عرض این مالیات مالیات دیگری معین کنید و آن وقت به بند این ملت بدبخت استقامتش را دارد که این تعصبات بش شود یا نه

حالا این را تصویب کردیم آنوقت فوراً یک مالیات دیگری می آید و آنوقت از کجا باید بدهید؟ همین طور که آقای کازرونی هم فرمودند حالا ما بیاییم و مالیاتها را ملتی کنیم و هر روز خرج تراشی کنیم فردا هم می بینیم که مملکت پنج کرور خرج کرده و در وقت می آیم یک مالیاتهای غریب و عجیبی تصویب می کنیم اینست که بنده با معافیت و با هیچ کدامش موافق نیستم.

نایب رئیس - آقای امامی (اجازه)
امامی - بنده متأسفم از اینکه آقایان نمایندگان از وضعیت آذربایجان بهیچوجه اطلاعی ندارند اگر چنانچه اطلاع داشتند آذربایجان را باهمدان و شیراز و طهران مقایسه می کردند آذربایجان از وقتی که انقلاب مملکت و رولوسین شروع شده است همیشه آتش بوده است تا دو سال پیش

مخصوصاً از وقتی که جنک بین المللی شروع شد و از زمانی ما یک عدد مهاجرین ارمنه و آشوری بعلاوه اگر آذربایجان آمدند تا امروز مخصوصاً اطراف ارومیه و سلماس و یک قسمت از خوزی راحتی ندیده و دچار خسارات و صدمات فوق العاده شدند چنانچه دولت هم بعد از فرستادن یک کمیسیونی بریاست مستر داموی امریکائی خودش تصدیق کرد و بنده با آنها برساند متأسفانه اعانه هم که از طرف اهالی جمع شده بود حیث و میل شد و به آنها نرسید بعلاوه همان طوری که آقای افشار اظهار کردند وزارت مالیه عملاً سازاست از آن جا مالیات نمیگیرد که آقا تصور می کنند که یک عایداتی از دولت کسر شده است.

نایب رئیس - آقای رضوی (اجازه)
رضوی - بنده موافقم ولی چون قانون میزبانی را پورتش همین چند روزه بمجلس خواهد آمد خوبست موکول ب همان قانون شود و بنده لازم نمی دانم که یک طرح عملی حده قابل توجه شود.

نایب رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
دستغیب - قانون میزبانی بمجلس خواهد آمد و آقای رضوی هم تصدیق کردند و فرمودند باید صبر کنیم تا قانون میزبانی بمجلس بیاید.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

نایب رئیس - آقای فاطمی (اجازه)
فاطمی - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نوانس و اختلاف نظری که در قانون میزبانی بود رفع شد و فقط یک جلسه لازم است که کمیسیون قوانین مالیه با حضور نماینده مالیه متعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ بمطالی هم ندارد و امروز عصر کمیسیون قوانین مالیه متعقد می شود و راپورت راجع به میزبانی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتیه جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مواد آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجه رأی بگیرند و برود به کمیسیون و بر گردد مستلزم یک طول مدتی است.

در صورتی که یک قانونی تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با قانون رأی دادند تصریحاً سرانه خانواری و همه اینها الفاه می شود.

لذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح در دستور امروز خارج شود.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

داور - موافقم نایب رئیس - آقای فاطمی (اجازه)
فاطمی - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نوانس و اختلاف نظری که در قانون میزبانی بود رفع شد و فقط یک جلسه لازم است که کمیسیون قوانین مالیه با حضور نماینده مالیه متعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ بمطالی هم ندارد و امروز عصر کمیسیون قوانین مالیه متعقد می شود و راپورت راجع به میزبانی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتیه جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مواد آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجه رأی بگیرند و برود به کمیسیون و بر گردد مستلزم یک طول مدتی است.

در صورتی که یک قانونی تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با قانون رأی دادند تصریحاً سرانه خانواری و همه اینها الفاه می شود.

لذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح در دستور امروز خارج شود.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

نایب رئیس - آقای بیات (اجازه)
بیات - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نوانس و اختلاف نظری که در قانون میزبانی بود رفع شد و فقط یک جلسه لازم است که کمیسیون قوانین مالیه با حضور نماینده مالیه متعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ بمطالی هم ندارد و امروز عصر کمیسیون قوانین مالیه متعقد می شود و راپورت راجع به میزبانی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتیه جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مواد آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجه رأی بگیرند و برود به کمیسیون و بر گردد مستلزم یک طول مدتی است.

در صورتی که یک قانونی تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با قانون رأی دادند تصریحاً سرانه خانواری و همه اینها الفاه می شود.

لذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح در دستور امروز خارج شود.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

نایب رئیس - آقای بیات (اجازه)
بیات - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نوانس و اختلاف نظری که در قانون میزبانی بود رفع شد و فقط یک جلسه لازم است که کمیسیون قوانین مالیه با حضور نماینده مالیه متعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ بمطالی هم ندارد و امروز عصر کمیسیون قوانین مالیه متعقد می شود و راپورت راجع به میزبانی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتیه جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مواد آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجه رأی بگیرند و برود به کمیسیون و بر گردد مستلزم یک طول مدتی است.

در صورتی که یک قانونی تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با قانون رأی دادند تصریحاً سرانه خانواری و همه اینها الفاه می شود.

لذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح در دستور امروز خارج شود.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

بنده در بعضی محافل طبی سوه تعبیر شده و شاید از آن محافل هم تجاوز کرده باشد بطوری که بعضی از آقایان پارلمانی هم در این باب با بنده مذاکره کردند خواستم در این موضوع چند کلمه بعرض آقایان برسانم یا اگر در خارج یک سرایضی خدمتشان می شود حقیقترا بداندند.

آقایان نمایندگان معتمد البته در نظر دارند احتیاجات ضروری صحنی هومی و قلت بودجه آن را بنده هم خیلی تقلا کردم و آقایان هم کمک فرمودند که شاید بشود یک بودجه کافی برای صحنی ترتیب داد و از تلفاتی که در مملکت ما می شود جلوگیری کرد ولی متأسفانه تاکنون موفق نشده ایم

و چون بنده دیدم بودجه صحنی فعلاً فقط صدی و سی و شش هزار تومان است اگر چه حالا دولت سیزده هزار تومان دیگر هم پیشنهاد کرده است.

ولی هنوز بنده خوب نرسیده است بنده با خود فکر کردم یک مملکتی که بودجه صحنی اش صدی و شش هزار تومان است انصاف نیست که قبل این مؤسسه بیاید مثل سایر مؤسسات دولتی که بودجه کافی دارند و همچو مؤسسه مدیرانش نباید همان اکثر بودجه را بگیرند.

یاد بکنم که کاری کند و بنده پیشنهاد می کنم این بود که قبل یک چنین مؤسسه انصافاً با حفظ تمام مقامات فنی و علمی و اداری خودش بیش از حقوق یک معاون اداره نگیرد.

رئیس - آقای کاشانی (اجازه)
کاشانی - بنده قبل از دستور عرضی دارم

رئیس - آقای دکت امیرخان (اجازه)
امیرخان - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - آقایان تجدد را جزء غائبین بدون اجازه نوشته اند بطوری که بنده در نظر دارم ایشان تا دو ماه از مجلس اجازه خواسته اند خوبست اصلاح شود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - در صورت مجلس نوشته شده است که بنده راپورت کمیسیون مبتکرات را مسترد داشتم در صورتی که بنده راپورت را مسترد نداشتم فقط بنده موافقت کردم با پیشنهاد آقای مدرس که در جلسه دیگر مطرح شود.

رئیس - آقای حسن کاشانی (اجازه)
حسن کاشانی - در صورت مجلس نوشته شده است که بنده راپورت کمیسیون مبتکرات را مسترد داشتم در صورتی که بنده راپورت را مسترد نداشتم فقط بنده موافقت کردم با پیشنهاد آقای مدرس که در جلسه دیگر مطرح شود.

نایب رئیس - آقای بیات (اجازه)
بیات - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نوانس و اختلاف نظری که در قانون میزبانی بود رفع شد و فقط یک جلسه لازم است که کمیسیون قوانین مالیه با حضور نماینده مالیه متعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ بمطالی هم ندارد و امروز عصر کمیسیون قوانین مالیه متعقد می شود و راپورت راجع به میزبانی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتیه جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مواد آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجه رأی بگیرند و برود به کمیسیون و بر گردد مستلزم یک طول مدتی است.

در صورتی که یک قانونی تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با قانون رأی دادند تصریحاً سرانه خانواری و همه اینها الفاه می شود.

لذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح در دستور امروز خارج شود.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

نایب رئیس - آقای بیات (اجازه)
بیات - بنده کمال موافقت را با این مسئله دارم ولی برای اطلاع خاطر آقایان از موقع استفاده می کنم و عرض می کنم که در هفته گذشته نوانس و اختلاف نظری که در قانون میزبانی بود رفع شد و فقط یک جلسه لازم است که کمیسیون قوانین مالیه با حضور نماینده مالیه متعقد شود و راپورت آن تهیه و تقدیم مجلس شود و هیچ بمطالی هم ندارد و امروز عصر کمیسیون قوانین مالیه متعقد می شود و راپورت راجع به میزبانی برای روز پنجشنبه تقدیم مقام ریاست خواهد شد که طبع و توزیع شود و می توان روز یکشنبه آتیه جزو دستور قرار داد و این مسئله هم در یکی از مواد آن تصریحاً ذکر شده و این مسئله تنها هم نیست خانواری و چیزهای دیگر هم هست.

حالا اگر امروز یکی از آنها را بطور قابل توجه رأی بگیرند و برود به کمیسیون و بر گردد مستلزم یک طول مدتی است.

در صورتی که یک قانونی تهیه شده است و بعد از آنکه آقایان با قانون رأی دادند تصریحاً سرانه خانواری و همه اینها الفاه می شود.

لذا بنده پیشنهاد می نمایم نه اینکه این طرح در دستور امروز خارج شود.

بنده عرض می کنم بر فرض که تمام این قسمت ها در آن قانون باشد. اینهم یک قسمت علی حده است مالیات سر شماری یعنی چه که انسانرا مثل حیوان و مثل خر حساب کنند.

ولی نظر در این است که اگر یک فرد یا جامعه یا یک دولتی که دارای مستخدمینی هستند در یک موقعی ضرورت بیک امری پیدا کنند که مابین مستخدمین و اشخاص متخصص باشند که از همه انجام آن کار آید آنگاه آن شخص متخصص مجبور است که آن کار را هم انجام دهد یا اینکه خبر مجبور نیست که آن امر فوق العاده را انجام دهد و دولت می تواند در موقع غیر اداری آن متخصص را آن کار گذارد و با حقوق به مدت آن امر را انجام دهد فرض این مسئله سهل است

مثل اینکه کسی مستخدم دولت باشد و در همان حال طبیب هم هست اگر در وقت اداری اش کسی با بگوید بیا و این مرض را معالجه کن تردیدی نیست می تواند این کار را بکند و حق هم دارد مطالبه حق الزحمه کند خوب پس همینطور که یک فردی میسر است احتیاج بیک کاری پیدا کند یعنی ممکن است مرض شود ضرورت به طبیب پیدا کند دولت هم که یک نفر دقانونی است ممکن است بصاحبان صنایع یک احتیاجی پیدا کند ممکن است مشاهده کند که یکی از مستخدمین او در آن فن متخصص باشند و اگر می خواهند آن کار را با او رجوع کنند باید با بگویند مستخدم قانونی موظفی این کار را قبول کنی و این را نمی شود و دخل حساب کرد پس این مربوط به آن فرمایشی که آقای کازرونی اظهار کردند که در ملکیتی که فقیر است نباید بیک نفر دخل داده شود نیست! میفرمایند تفسیر یعنی توضیح معنی یک مسئله یا یک جمله که نتوان او را کشف کرد

بعقیده بنده اینطور نیست از نقطه نظر قانونگذاری ممکن است یک قانونی در پیش یک اشخاص متخصص قابل تفسیر نباشد ولی در یک مواقع اشخاص یک اشکالاتی میکنند که برای رفع آن اشکال مقامی که صلاحیت ابتکار را دارد باید بگوید معنی این است

برعکس عقیده ایشان بعقیده بنده وعده زیادی از آقایان و کلاه و مستخدمین این اصولی که ایشان اظهار کردند هیچ وجه اجمال و ابهامی ندارد

این لایحه در ادارات دولتی ممنوع است و بنده تصور نمیکنم که اصل سی و دوم قانون اساسی یا قانون شانزدهم جواز قانون اساسی انتخابات هیچ منافاتی باین مقصود عرض بنده داشته باشد

و گمان نمیکنم هیچ یک از اینها این حق را از مستخدمین اداری که در یک امر و فن متخصص اند سلب کند و مانع شود از اینکه آنها در ایام غیر اداری خودشان حق داشته باشند کار دیگری بکنند

ولی چون نظرها مختلف است برای اینکه در آنچه رقم هر گونه اختلافی بشود

دولت لایحه داده و بمجلس فرستاده است

اصل سی و دوم قانون اساسی میگوید اگر نمایندگان ملت در ادارات دولتی شغل اداری پیدا کنند از کالت منفصل می شوند و کالت آنها منوط بانجام جدید است

باید دبه شغل اداری یعنی چه؟ و مستخدم اداری که مشمول قانون استخدام میشود کیست؟

در قانون استخدام مقرراتی ذکر می کند برای مستخدمین و حقوق و تکالیفی برای آنها معین میکند و مستخدم دولت کسی است که تابع آن مقررات باشد

یعنی که از تمام آن مراتبی که در قانون استخدام برایش معین شده از قبیل اضافه حقوق و ترفیع رتبه و تقاعد و انقباض و جاکه و غیره برخوردار شود

ولی کسیکه اهل حرفه و فن است وقتاً کار میکند و در هیچ یک از این اصول و مقررات فوق مشمول قانون استخدام نیست

اصل سی و دوم قانون اساسی راجع است با اشخاصی که مستخدم رسمی دولت باشد و مطابق قانون استخدام مکلف بانجام و اجرای تمام اصول آن قانون باشد

پس از این جهت وقتی که دولت بیک نفر تاجر یا طبیب احتیاج پیدا میکند و او را بخدمت می پذیرد نمیتوان گفت او جزو مستخدمین اداری محسوب است و دارای خصوصاتی است که قانون استخدام برای او معین میکند

بنابر این اصل ۳۲ قانون اساسی باین مورد اساساً مشمول ندارد

و مقصود آن اصل این است که مثلاً یک کسی در حین و کالت بخدمتی از خدمات دولتی انتقال پیدا کند و رسماً آن شغل را قبول کند در این مورد بعضی قبول این شغل مستلزم انفصال او است از مقام نمایندگی و این مسئله بهیچ وجه مربوط به شغل تجاری و طبابت و امثال آن نیست و تصور نمیکنم با مستخدمین مطالعه معلوم میشود که این قضیه را نمیتوان باین اصل مشمول داد قسمت دیگر از فرمایشات آقای کازرونی مربوط بود بقانون شانزدهم جوزا که میگوید اجتماع و دخل اداری با حقوق ممنوع است این مطلب هم عیناً همانطور است که بنده در توضیحات راجع به اصل ۳۲ قانون اساسی دادم و شامل اینجا هم نیست زیرا که شغل اداری شغلی است که تمام خصوصیات و مقررات قانون استخدام شامل آن باشد مثلاً یک نفر رئیس اداره اگر متمکن کفالت امور ادارتی دیگری بشود اجماع ممکن است ولی نمیتواند باستناد اجماع این دو شغل حقوق ریاست آن اداره و حقوق کفالت امور اداره دیگری را که عهده دار شده بگیرد مقصود این است و بهیچ وجه دلیل است که توجیه

آقایان راجع می کم که ناوقتاً یک شغل مشمول مقررات قانون استخدام نباشد نمی توان تصور کرد که آن شغل رسمی دولتی است و مشمول قواعد مقررات راجع به قانون استخدام است و هیچ تردیدی نیست که یک نفر نماینده در همان حالی که مکلف است بانجام وظایفی در همان مجال بر حسب هیچ قانونی ممنوع نشده است که در غیر مواردی که مکلف به انجام وظیفه است

اگر در غیر آن موارد اداری بخواهد از رفتن خودش استفاده کند و نتواند استفاده نماید منطقی است در غیر مواقع اداری دعوت میشود برای معالجه مرض و بنده نمی دانم چه فرقی دارد بین این اشخاص و بین دولت برای این که دولت یک تکلیفی است که نماینده جامعه است و در ترفیع مناصب نسبت با افراد در حکم یک شخص قانونی است و اگر چنانچه دولت احتیاج پیدا کرد بیک طبیبی که مستخدم یا نماینده مجلس هم باشد مراجعه کند باین طبیب چه ضرر دارد؟

برای چه مهروم است از اینکه حق الزحمه خودش را از دولت دریافت کند در صورتیکه همان شخص در موقع دعوت افراد دیگر ممنوع نیست بهر صورت قانون ۱۶ جوزا و اصل ۳۲ قانون اساسی راجع است با اشخاص که موافق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شوند و شامل آن اشخاصی که مشمول آن قانون نیستند نمیشود و بنده از آقایان نمایندگان محترم تمنا میکنم که بیشتر وقت بفرمایند در مسائلی که حقیقتاً مخالف با اجرای آن است که امروزه در همه جای دنیا معمول است

زیرا در هر کجا که بر روند وقتی که یک شخص متخصص در یک فن است و مستخدم دولت هم هست در غیر کار اداری اگر کاری با او رجوع کنند حق خواهد داشت که از زبانی فنی خودش استفاده کند و در هر صورت معلومی در مدارس دولتی بعقیده بنده مثل طب در ادارات دولتی است و همان طوری که عرض کردم در خارج طبیب میتواند از حق الزحمه خودش استفاده کند با اینکه مشمول قانون استخدام هم باشد از حق-التدریس هم در غیر مواقع اداری میشود استفاده کرد مستخدم رسمی که دادن در شغل باو ممنوع است مستخدمی است که مطابق قانون استخدام مستخدم دولت شناخته شده یعنی از تمام مقررات قانون استخدام از ترفیع و اضافه حقوق و انتظار خدمت و تعقیب و جلب بها که و بالاخره از تمام حقوقی که بر حسب قانون استخدام برای مستخدمین مقرر است برخوردار شوند البته کسی که بهیچ وجه از تمام آن حقوق برخوردار نیست و مجبور بانجام آن تکالیف نیست نمیتوان او را مستخدم دولت دانست که مشمول این قانون باشد قسمت دیگر که آقای کازرونی فرمودند راجع

بنده تصور میکنم اگر مختصر توجیهی بفرمایند تصدیق میفرمایند که اشتباه و مستدلی یک حقوقی معین شده است اعم از اینکه آن حقوق را بگیرند یا نگیرند در آن موقع اینطور جواب داده شد و بفرموده نشد که یک نفر هم وکیل هم وزیر باشد بدون گرفتن حقوق حالاً ما میخواهیم این اصلی را که در آن وقت قبول نکردند در این موقع قبول کنیم که از فردا تا ماه کالدر ادارات دولتی مشمول خدمت رسمی نشوند و باشغول کالتشان هم منافات نداشته باشد

یک عریضه به مقام ریاست مجلس شورای ملی فرستاد که بنده امر روز بواسطه گرفتاری از حضور در مجلس معذورم بنده را غایب با اجازه منظور دارید بالاخره دو حقوق گرفته اند و نتیجه هم برای مملکت نداشته اند

در قانون ۱۶ جوزا میگوید که اگر باو کمک کنند در هر صورت بنده تصور میکنم مطلب بقدری واضح باشد که خود آقای کازرونی هم تصدیق بفرمایند و یقین هم دارم که فرمایشات ایشان در نتیجه مطالعات شخصی خودشان بود و اینطور تشخیص داده اند

البته مجلس برای این است که مباحثات بشود و هیچ وجه اظهارات بنده هم مبنی بر اعتراض بفرمایشات آقای کازرونی نبوده است برای اینکه ایشان اینطور تشخیص شورای ملی است

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب عرضی ندارم

رئیس - آقای قانمیرزاشاهب (اجازه)

آقای قانمیرزاشاهب - بنده علاوه بر اینکه با هر نوع احتکاری مخالف هستم مخصوصاً مخالف با احتکار مشاغل منعمه برای اشخاص و اصلاً این تفسیر در یک تفسیری میدانم که بالاخره این صاحب است چه تفسیر قانون تفسیری اساسی باشد چه تفسیر قانون مصوبه شانزدهم جوزا برای اینکه قانون اساسی تصریح دارد باینکه چنانکه یکی از کلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم شوند از نمایندگی مستعفی هستند

بنده نمی دانم چه میشود که گاهی با اطراف افراط و گاهی بطرف تفریط میروم

بنده در آن موقع در مجلس نبود ولی شنیدم در موقعی که آقای تیمورتاش قبول وزارت کردند این مذاکره بوده است در مجلس که شغل وزارت در صورتیکه حقوقی منافات با حقوق و کالت ندارد

یعنی وزیری که وکیل هم باشد و حقوق هم نگیرد مشمول این اصل قانون اساسی نباشد و در آنوقت مجلس پذیرفت

یعنی اینطور جواب داد که مقصود از موظفاً این است که شغلی را که دارای وظیفه باشد یعنی یک پست و مستدلی که برای آن پست و مستدلی یک حقوقی معین شده است اعم از اینکه آن حقوق را بگیرند یا نگیرند در آن موقع اینطور جواب داده شد و بفرموده نشد که یک نفر هم وکیل هم وزیر باشد بدون گرفتن حقوق حالاً ما میخواهیم این اصلی را که در آن وقت قبول نکردند در این موقع قبول کنیم که از فردا تا ماه کالدر ادارات دولتی مشمول خدمت رسمی نشوند و باشغول کالتشان هم منافات نداشته باشد

یک عریضه به مقام ریاست مجلس شورای ملی فرستاد که بنده امر روز بواسطه گرفتاری از حضور در مجلس معذورم بنده را غایب با اجازه منظور دارید بالاخره دو حقوق گرفته اند و نتیجه هم برای مملکت نداشته اند

در قانون ۱۶ جوزا میگوید که اگر باو کمک کنند در هر صورت بنده تصور میکنم مطلب بقدری واضح باشد که خود آقای کازرونی هم تصدیق بفرمایند و یقین هم دارم که فرمایشات ایشان در نتیجه مطالعات شخصی خودشان بود و اینطور تشخیص داده اند

البته مجلس برای این است که مباحثات بشود و هیچ وجه اظهارات بنده هم مبنی بر اعتراض بفرمایشات آقای کازرونی نبوده است برای اینکه ایشان اینطور تشخیص شورای ملی است

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دستغیب عرضی ندارم

رئیس - آقای قانمیرزاشاهب (اجازه)

آقای قانمیرزاشاهب - بنده علاوه بر اینکه با هر نوع احتکاری مخالف هستم مخصوصاً مخالف با احتکار مشاغل منعمه برای اشخاص و اصلاً این تفسیر در یک تفسیری میدانم که بالاخره این صاحب است چه تفسیر قانون تفسیری اساسی باشد چه تفسیر قانون مصوبه شانزدهم جوزا برای اینکه قانون اساسی تصریح دارد باینکه چنانکه یکی از کلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم شوند از نمایندگی مستعفی هستند

بنده نمی دانم چه میشود که گاهی با اطراف افراط و گاهی بطرف تفریط میروم

بنده در آن موقع در مجلس نبود ولی شنیدم در موقعی که آقای تیمورتاش قبول وزارت کردند این مذاکره بوده است در مجلس که شغل وزارت در صورتیکه حقوقی منافات با حقوق و کالت ندارد

یعنی وزیری که وکیل هم باشد و حقوق هم نگیرد مشمول این اصل قانون اساسی نباشد و در آنوقت مجلس پذیرفت

تکراری را یاد نگیرد می تواند عمل کند و شغل فنی خیلی کم است و آنها هم که عالم باشند خیلی کم است پس اجازه تکرار خانها هم بوجوب این قانون که حالا میخواهیم بگذاریم میتوانیم اجازه بدهیم که در غیر ساعات اداریشان یعنی هر چه میتوانند از ساعات اداره بگذرند و مشغول کار دیگر بشوند و در مقابل آن هم حقوق بگیرند

و بنده هیچ مجوزی نمیبینم که اینجاب کند ما اصل قانون اساسی و موادی که از مجلس گذشته است باین ترتیب و بر خلاف حقیقت تفسیر کنیم

بنابر این بر خلاف آنچه که اینچنان نوشته شده است بنده عقیده دارم که اگر این اصل قانون اساسی را اینطور تفسیر کنیم فردا است که شغل وزارت هم با وکالت منافاتی نمیکند

مثل اینکه در دوره چهارم هم مذاکره شد که وزیر میگوید من حقوق وزارت را نمیگیرم در صورتیکه مقام و کالت محفوظ باشد اگر چه و نتیجتاً این قانون تصویب شد میگوید وزارت هم فن است و در مملکت کسی نیست که بتواند وزیر بشود

از اینجهت آقای وکیل را میباید بوزارت و بوجوب رأی که در جلسه نوزدهم شهریور ۱۳۰۴ داده شد که در کارهای فنی و کلاه و مستخدمین ادارات دولتی میتوانند دخالت بکنند

بنابر این وزیر هم چون در این فن بخصوص ماهر بود و دیگری نبود که بتواند وزیر بشود

از اینجهت وزیر هم میتواند دخل دیگری هم داشته باشد و در هر صورت اگر این ماده را اینطور تفسیر کنیم یک اصل صحیح قانون اساسی را نقض کرده ایم دیگر بسته است به نظر آقایان

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

وزیر فرمودند عامه - نظر باینکه وزیری که این لایحه را امضاء کرده حاضر نیست که دفاع کند

و ضمناً آقای آقا میرزا شهاب در ضمن بیانانشان اسمی هم از بنده بردند و خود این هم بنده را وادار میکند که در آن مطالب یک چند کلمه توضیح بدهم و هم نظر دولت را عرض کنم

اولاد در خدمت معرفی بنده ورد شدن این مطلب که اگر وزیر حقوق بگیرد اشغال مقام وزارت منافی با وکالت نیست

عرض میکنم این قسمت از بیانانشان قدری مقرون بحقیقت نیست

اینطور تفسیر و تاویل در دوره چهارم که بنده بعرضت کابینه آقای مشیرالدوله تمین شدم هیچوقت نشد

خود بنده این مطلب را عنوان کردم و بنده را جزو مستعفی های مجلس شمرند

آنها کمتر است آقایان حاضر شوند در آنجا تدریس کنند یا بجای با حقوق کمی و البته در آنجا اعتراضی نیست ولی وقتی که آن شغل دولتی باشد از دولت حقوق بگیرد در آن صورت البته مشمول این ماده و اصل ۳۲ میشود بخصوص که ما میبینیم یعنی با امتحان و تجربه قهیبندیم که خیلی از این شغلها اختاری میشود یعنی بنده رئیس فلان اداره هستم فلان عنوان هم در جای دیگر پیدا میکنم آن سمت در جای دولتی که یک عده از اجزاء و مستخدمین ادارات در آنجا تدریس می کنند مراجعه بفرمایند ببینید که آن مستخدم با در ساعات ادارتیش رفته است مدرسه یا در ساعت مدرسه رفته است سرکار اداره اش و در هر صورت هر کدام از اینها که باشد اسباب توفیق کار میشود و بعقیده بنده اگر از ساعات ادارتیش برادر دزدی است و اگر از ساعات تدریسش برادر دزدی که آن هم انصافاً کار خوبی نیست

زیرا وقتیکه در یک اداره مستخدم است در ساعت شغلیش اگر بدون عذر موجه حاضر نشود بنده این را جنایت و دزدی میدانم فرق ندارد که بنده از صندوق مبلتی دزدی بکنم یا از یک ساعت اداره که در مقابل آن پول گرفته ام کار بکنم

بنا بر این بنده عقیده ندارم که ما بتوانیم این اصل قانون اساسی و این مواد را اینطور فقط برای احتکار کار تفسیر کنیم خوب آقای مقبر میفرمایند در قانون کفالت هست که میتوان یک نفر کفالت کار دیگری را بکند با اینکه یک شغل اداری هم داشته باشد

این مسئله مربوط باین قسمت نیست چون در قانون مصرح است که در چه مورد چه اشخاص میتوانند کفالت شغل دیگری را هم بکنند چون تصریح دارد معنی ندارد که اینک اجازه باشد و وسیله این شود که هر کس بتواند دخل را عهده دار بشود

فرمودند که بایستی آن دو شغل که یک نفر ارجاع میشود کلاً آن شخص مشمول قانون استخدام باشد این اصل اساساً صحیح است و باید مشمول قانون استخدام باشد والا همان مستخدم که در ساعات بیکاری در مدارس ملی میتواند درس بگوید اگر مقصود هم تعلیم و توسعه معارف است خدمت بملکت و معارف است پس خوب است در مدارس دولتی که بوجده

(حالا نمیخواهم در این مورد عرض بکنم) ولی آنوقت گفتیم که اصولاً بطور کلی مرض نمایندگان محترم میرسام که اگر وزیر حقوق نگیرد میتواند مقام وکالت خودش را حفظ کند و سوابقی هم که بوده است همین نظر بنده را تأیید کرده است و میبکند

در ادوار مختلفه مجلس نمایندگان بود اند که بدون حقوق مقامات موظف را اشغال کرده اند و مقام وکالتشان هم محفوظ بوده است

بر سیبیل مثل عرض میکنم مثل آقای مساوات و آقای تکاباتی آقای امیر اعلم و چند نفر دیگر که با حفظ مقام خودشان چون حقوق نمیگرفتند مقامات دیگری هم داشته اند بنابر این اگر یک وزیر پیدا بشود که حقوق نگیرد

و مقام وزارت را اشغال بکند این هیچ منافی با مقام وکالت او نخواهد بود و این تازه یک قدمی است که بطرف آن اصلی که در تمام دنیا معمول است که وزراء باید از مجلس استعفا داشته شده و نزدیک شده ایم

این قسمت از نقطه نظر عمل و حالی نیست بلکه از نقطه نظر بند است که بعد گفته نشود مجلس یک همچو فراری گذاشته است

اما در باب اصل مطلب هم باید چند کلمه عرض کنم و آن این است که آقایان نباید تصور بفرمایند که تفسیر قانون یعنی برداشتن معنی تحت اللفظی آن است بلکه تفسیر قانون یعنی استنباط نمودن معنی آن با مقتضیات وقت و با اینجهت است که در ادوار مختلفه تفسیر ها ممکن است مختلف باشد

کازرونی - اینطور نیست وزیر فرمودند عامه - این اصل مسلم است و تجربه هم شده است (همه بین نمایندگان)

آقای دستغیب - یعنی قانون در این نیست هر روز یک رأی باید داد

وزیر فرمودند عامه - این اصل را که بنده عرض کردم مختصر عرض بنده نیست مختصر این اصل تمام بزرگان دنیا هستند و در جای خودش مرجع است و بالاخره اگر نمایندگان نمیتوانند خدمات دولتی را قبول کنند مسلم است که نظر مقنن و روح قانون مربوط باشغال فنی نیست و هیچ محل تردید هم نیست و مقصود این است که در ادارات دولتی پستهای عادی کسی هست نماینده نمیتواند مستخدم بشود که هم حقوق نمایندگان را بگیرد و هم حقوق اداری را

اما مشاغل فنی اینچنان ندارند اگر طبیبی وکیل شده حق دارد مردم را هم در خارج معالجه نماید (همه بین نمایندگان)

وزیر فوئدعامه - اجازه بفرمائید البته حق دارد در فرات از وظایف نمایندگی محکمه خودش را ادراک نماید و معالجه کند این حق طبیعی هر بشری است و هیچکس هم نمیتواند این را از کسی سلب نماید.

پس بیا بر این وقتیکه این اصل را قائل شدیم میتوانیم بگوئیم که مریض تلگراف خانه یا هدایه یا فوائدها را معالجه کردن هیچ فرقی با مریضی که از کجوه میآید ندارد.

خوب بمجرد اینکه شما برای یک نماینده قائل شدید که بعضی اینکه یک شخصی نماینده شد تمام اوقات او صرف خدمات مربوط با این شغل است یعنی در خانه اش هم حق ندارد طبابت کند یا در یک مدرسه که خودش تأسیس کرده است تدریس نماید اگر این مراد است که مقتضی خواهد بود گفته شود در ادارات دولتی هم نباید با اجازه داده شود که طبابت نماید.

اما بمجرد اینکه در خارج قائل شدید که نماینده که طبیب است میتواند مریض خارج را معالجه کند آنوقت بنده هیچ فرقی بین مریض خارج و مریض وزارتخانه نمیبینم مرحله دیگر این است که چه فرقی دارد اگر یک وزارتخانه مریض خودش را بفرستد در یک محکمه و حق علاج را نماند و بدهند.

یا اینکه بطور تخمین بر آورد بکنند و مامایان کثرت نماید و بهوض حق المعالجه یک حقوقی بان طبیب بدهد و البته این حقوق نیست بلکه این حق الزحمه است و به عقیده بنده هیچ اشکالی هم ندارد رئیس - آقای نظامی (اجازه)

چند دقیقه تنفس داده شود مخالفی ندارد؟

رئیس - جزو دستور روز یکشنبه می شود (پیشنهاد جمعی از نمایندگان بشرح ذیل خوانده شد) مامضا کنندگان تقاضا میکنند جلسه خصوصی برای روضه معمولی مجلس تشکیل داده تکلیف را معین فرمائید

رئیس - جلسه را ختم بکنیم و جلسه خصوصی را تشکیل میدهم (مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرنیا منشی د کتر احتشام طباطبائی منشی - م - شهاب

جلسه ۱۱۸ صورت مشروح مجلس یکشنبه بیست و دوم شهریور ۱۳۰۴ مطابق صفر سنه ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای حسینخان پیرنیا تشکیل گردید (صورت مجلس پنج شنبه نوزدهم شهریور را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند) رئیس - آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - قبل از دستور عرض دارم. رئیس - آقای رضوی (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - قبل از دستور رئیس - آقای نظامی (اجازه)

میرزا ایدالله خان نظامی - قبل از دستور رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - قبل از دستور رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟ (گفتند - خیر)

رئیس - آقای شوشتری (اجازه) شوشتری - بر حسب وظیفه دوم موضوع را میخواهم عرض بدارم. یکی موضوع نان طهرانست و یکی هم راجع به بدین منوره.

وزیر مالیه - خواستم از مجلس شورای ملی تنها کنم که لایحه واگذاری سلطنت آباد را بالا حضرت اندس جزء دستور جلسه آتی قرار دهند خاطر نمایندگان را بکنم که مردم پایتخت و سایر ولایات که اکثریت آنها تشکیل

از فقراء و ضعفاء و بیچاره ها است حقیقه با این روز بدبختی و فلاکت باید ۰۰۰ مستوره را هم همراه آورده ام و این مستوره را آقای امیرخان اعم که در اینجا تشریف دارند میخواهم از ایشان تقاضا کنم که یک عده از متخصصین شبیه بیآورند اینجا تجزیه کنند ببینند این چه چیز است.

بگریه دادم نخورده به سگ هم دادم نخورده بنده افروها می شوم که در صد من گندم طهران ۲۰۰ مگر کاس یعنی سرشکانه عبدالمی زند و ۵ سیر هم تلفه برای این که مردم کمتر بخورند.

خوب اگر بناست مردم بپزدند نمکن است دوشیبه استر کنین در تمام ساخاخانه طهران بپزند که یک دفعه مردم بپزند والا اینکه زندگی نیست. حالا قصور را بنده عرض میکنم از کجا است. بنده عرض میکنم قصور از همان اشخاصی است که اگر شخص رئیس محترم دولت یا وزیر مالیه یا نمایندگان مجلس شورای ملی بخواهند بتمام آنها اعتراض کنند با تهدات و تلباتی که ما با آنها کردیم.

مثلا در هفتمین واپس می نویسد که رئیس محترم دولت فلان توصیه را کرده در صورتیکه آن توصیه نافع آنها بوده یا فلان عملی که رئیس دولت میکنند در صورتی که بمصالح آنها است آنها تصور میکنند که اینها برخلاف مقررات با آنها است.

مثلا اگر یک کسی شکایت کند از امین مالیه و تحصیلدار مالیه ۰۰۰ سند دارم توی جیبم.

حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بنده هم میخواستم راجع بکنیه اوراق ملک عرض بکنم حالا آقای شوشتری یک اندازه فرمودند بنده راجع به همان عرض می کنم همانها چیزیکه داشتند یک نان خوبی داشتند کم کم اداره ارزاق دارند نشانرا هم از دستشان بگیرد یک اداره در آنجا تأسیس کرده اند و حکم کرده اند که گندم بیآورند خرواری سیزده تومان بدهند.

قبض بمانی دهند پول هم بمانی دهند اما می فروشند به نظامی ها و ۱۸ تومان پول می گیرند. نظامی ها هم ناچاره بخرند صدایشان هم نمی تواند در بیاید ما هم صدایمان نمی تواند بزیاید.

در مجلس شورای هم اگر یک وقتی یکی از نمایندگان بخواهد حرفی بزند که با این وضعیت و با این جریان که شایع شده است باید با اینکه حکم میکند کسی از خارج گندم نخورد مبادا احتکار کند این ملک این یای تخت یک آتیه خطیری می تواند بزیاید.

در زمستان آتیه دچار یک تعطیلی سختی بشود و همه از گرسنگی بمیرند. بنده بنام ملت همدان - چون آقایان نمایندگان تمام ایران هستند تقاضا میکنم آقایان یک کاری بکنند که همدانها در زمستان دچار فحط و فلا نشوند و مثل ۲۰ هزار و سیصد و شش مردم فوج فوج نمیرند اگر این رویه که دولت اتخاذ کرده ادامه پیدا کند عقیده بنده این است که در آنجا سی هزار نفر از گرسنگی خواهند مرد.

این یک موضوع موضوع دیگر و جامع بمیدان منوره است. چندی قبل در جراند مطرح شد بی سیم هام خبر داده شد بر حسب وظیفه دیانتی و شرعی و هر یک از آقایان نمایندگان که تصدیق کردند آنها هم بر حسب وظیفه دیانتی و شرعی و سیاسی و ملی و ملکیتی خودشان اظهار تنفر و احساساتی فرمودند.

رئیس محترم دولت هم تشریف آوردند این جا تصدیقا تصدیق فرمودند از طرف نمایندگان دولت ایران. اخیراً بی سیم ها (که سابق میگفتیم لا اعتبار باقرطاس - حالا باید بگوئیم لا اعتبار با بی سیم) از قول نماینده این - خود یک چیزهای نوری این ملک منتشر کردند اگر حقیقه صافه واقع نشده است کمیسیون محترم رئیس محترم دولت آمده است اظهار کرده است و مجلس معین کرده کمیسیون محترم این قضیه را تکذیب بفرمائید و اگر حقیقه واقع شده است و برای نظریات سیاسی و برای آن احساسی که در مسلهای دنیا تولید شد که دست هیچ منجاوز و منجاورین نباید بکنند و مدینه دراز شود این انتشارات پیدا میشود این را باید جلو گیری کرد عرض بنده همین است.

رئیس - آقای رضوی (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بنده هم میخواستم راجع بکنیه اوراق ملک عرض بکنم حالا آقای شوشتری یک اندازه فرمودند بنده راجع به همان عرض می کنم همانها چیزیکه داشتند یک نان خوبی داشتند کم کم اداره ارزاق دارند نشانرا هم از دستشان بگیرد یک اداره در آنجا تأسیس کرده اند و حکم کرده اند که گندم بیآورند خرواری سیزده تومان بدهند.

قبض بمانی دهند پول هم بمانی دهند اما می فروشند به نظامی ها و ۱۸ تومان پول می گیرند. نظامی ها هم ناچاره بخرند صدایشان هم نمی تواند در بیاید ما هم صدایمان نمی تواند بزیاید.

در مجلس شورای هم اگر یک وقتی یکی از نمایندگان بخواهد حرفی بزند که با این وضعیت و با این جریان که شایع شده است باید با اینکه حکم میکند کسی از خارج گندم نخورد مبادا احتکار کند این ملک این یای تخت یک آتیه خطیری می تواند بزیاید.

این تهیه هم باید از حدود کردستان و ملایر و سایر ولایات بشود چون امسال در همدان خودش نخمی دو تخم بیشتر نروئیده و باید گندم از آن اطراف بیاید و بواسطه همین قیمتی که گذاشته اند هیچکس گندم نمی آورد حتی خود مالکین همدان هم شاید گندمهاشانرا نفریط کنند و همدان کنه و رزمین که پیش رس ارزاق این شهر

بوده محصول نداشته تقصیر دولت چیست؟ ساروج بلاغ و شهریار هم تقصیر دولت چیست؟ تقصیر دولت چیست؟ اغلب آقایان که اطلاع دارند میداندند تقصیر از دولت نیست ولی باز هم تصدیق میکنم که یک قسمت از عملیات اداره ارزاق که دولت هم هیچ خبر ندارد خوب نیست. این یک عرض بنده عرض دیگر آنکه در دو جلسه قبل پیشنهاد خشکابیدن سیاه آبهای شهریار جزو دستور شد بنده خوشوقت بودم و اهالی ملک امیدوار بودم که تب و توبه تخفیف پیدا خواهد کرد و مردم از این مرض گمش خواهند مرد متأسفانه آقای داور پیشنهاد فرمودند از دستور خارج شود چنانچه بنده ادای وظیفه می کنم.

البته حق اعتراض ایشان هم ندارم زیرا ایشانهم قانوناً اظهار عقیده کرده وای سراسر اینکسکه ای وظیفه کسرسره باشم و اقدامات خودم را تعقیب کرده باشم امروز بعضی میرسانم پیشنهاد بنده منجاوز از یک سال در کمیسیون فوئدعامه مطرح بود از نتیجه اش را بدولت خبر بدهند البته دولت که تحقیق کرد کمیسیون میگوید کمیسیون هم بعضی مجلس خواهد رساند

فروش گندم و جو قریب یک میلیون مازاد داشته و معلوم نیست این را چه کرده اند در رابوت های دکتر میلسیو وقتی نگاه کنیم می بینم مقداری هم برای اداره ارزاق فرض بر ما محمل شده و تنزینش جزو بودجه عمومی پرداخته میشود معذک وقتیکه نگاه میکنیم می بینم نانی که تهیه می کنند در پای تخت که تمام و کلا حضور دارند و وزراء هم هستند بکنانی است که اساساً نمیشود گفت چون گندم نیست اینطور است.

اگر گندم نباشد باید نان کم باشد ولی بنده نمیتوانم تصدیق کنم که چون گندم را من زده عوض گندم میلانک بیرون آمده با سگ توش هست یا شن هست اگر گندم نباشد یا کم باشد باید نان کم باشد ولی ما می بینیم نان هست ولی نان یک چیزهایی داخل نان میکنند که میتوان یقین کرد بواسطه بی مواظبتی متصدیان اداره ارزاق است و اظهاراتی هم که در اینجا می شود برای این است که بدولت تذکر داده شود یک تقشش کاملتری در آن اداره بکنند و یک ترحمی بحال مردم بکنند والا تمام مردم مریض میشوند و از خوردن این نان می میرند

بنده از مخبر کمیسیون فوئد عامه و اگر تشریف ندارند از یک نفر از اعضای کمیسیون سؤال میکنم و اگر آقای آقا سید یعقوب اظهار کنند البته بهتر است که به بنده نتیجه عملیات کمیسیون راجع به پیشنهاد بنده بدهد که بنده و مردم این ملک امیدوار باشیم مرض مالاریا بالاخره از بین می رود.

رئیس - آقای اخگر (اجازه) شوشتری - بنده توضیحی دارم رئیس - تأمل کنید. اخگر - بنده چون در نتیجه خوردن این نانهای معمولی مریض شده ام میخواستم در تعقیب فرمایشات آقایان اظهار بکنم ولی در تعقیب اظهارات آقای میرزا ایدالله خان مجبور شدم یک عرضی بکنم. اولاً اظهاراتی که راجع بنان و اداره ارزاق در اینجا میشود هیچک از این اظهارات برخلاف دولت نیست. دولت مستقیماً در اداره که باسم اداره ارزاق موسوم است مداخله ندارد که اگر ما در این جا اظهاری بکنیم راجع بدولت باشد.

اولاً اظهاراتی که راجع بنان و اداره ارزاق در اینجا میشود هیچک از این اظهارات برخلاف دولت نیست. دولت مستقیماً در اداره که باسم اداره ارزاق موسوم است مداخله ندارد که اگر ما در این جا اظهاری بکنیم راجع بدولت باشد.

آقا سید یعقوب پس خارج از قدرت دولت است. اخگر - خیر داخل در قدرت دولت است ولی چیزی که هست بدولت تذکر داده میشود که جلوگیری کند اداره ارزاق از قراریکه بنده شنیده ام یا رسال در نتیجه

بنده از مخبر کمیسیون فوئد عامه و اگر تشریف ندارند از یک نفر از اعضای کمیسیون سؤال میکنم و اگر آقای آقا سید یعقوب اظهار کنند البته بهتر است که به بنده نتیجه عملیات کمیسیون راجع به پیشنهاد بنده بدهد که بنده و مردم این ملک امیدوار باشیم مرض مالاریا بالاخره از بین می رود.

رئیس - آقای رضوی (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بنده هم میخواستم راجع بکنیه اوراق ملک عرض بکنم حالا آقای شوشتری یک اندازه فرمودند بنده راجع به همان عرض می کنم همانها چیزیکه داشتند یک نان خوبی داشتند کم کم اداره ارزاق دارند نشانرا هم از دستشان بگیرد یک اداره در آنجا تأسیس کرده اند و حکم کرده اند که گندم بیآورند خرواری سیزده تومان بدهند.

قبض بمانی دهند پول هم بمانی دهند اما می فروشند به نظامی ها و ۱۸ تومان پول می گیرند. نظامی ها هم ناچاره بخرند صدایشان هم نمی تواند در بیاید ما هم صدایمان نمی تواند بزیاید.

نفوذ غیر رسمی نمایندگان آزاد باشد یعنی اگر یک کسی در یکی از ادارات دولتی یا دوازد دولتی یا دوازده دولتی هر هارتیکه بگوئید هست و بیک نحوی از اجزاء از خزانه دولت باورول می رسد بنده عرض میکنم یک کسی که تباست در وزارت خارجه او بدولت چه تعلق دارد؟ چه بستگی دارد؟ غیر از اینکه پول میگیرد ترشش از دولت و اطاعتش از او امر دولت فقط برای مواجش است ترس دیگری ندارد.

پس اگر من در یک اداره مثلا وفاق فلانجا باشم یک تعلق غیر رسمی بدولت داشته باشم یک چیزی مرتب و منظم بمن میرسد و همین بستگی را دارم یعنی ملاحظه در بین است که اگر برخلاف میل دولت و مجلس حرفی بزنم آن چیز قطع می شود و در اینصورت نماینده ملت همیشه تحت تأثیر نفوذ دولت و حکومت وقت واقع میشود مطابق میل او باید رفتار کند از طرف دیگر اگر در آن اداره دولتی که هست بخواهد ترفیح رتبه پیدا کند

بدولت اصرار میکند اگر ندهد آنوقت دولت در تحت تهدید او واقع میشود و دولت برای اینکه در مجلس تحت فشار او واقع نشود میباید و نظریه او را تأمین میکند و اینکه در ذرات این اساسی تمام مالک عالم منظور کرده اند که نماینده ملت نباید بستگی بدولت داشته باشد و از خزانه دولت غیر از آنچه از خزانه مجلس بطور غیر مستقیم از دولت میگیرد

چیزی بگیرد برای اینست که مستقل فکر باشد آزاد باشد در عقیده خود و حقیقه نماینده ملت باشد خواستم خاطر آقایان را مستحضر کنم که برای آتیته حکومت ملی این مطلب خطرناک است مشروطه ما که روی این قانون اساسی قرار گرفته بود بقدر کافی هویت خودش را کم کرده و ضعیف شده

اما اگر این قدر ما امروز برداریم حکومت ملی بکنی ضعیف میشود این یک مطلبی است که اساس قانون اساسی را ما تفسیر میکنیم اما تفسیر نباید خارج از روح قانون اساسی باشد.

این تفسیر مخالف روح قانون اساسی است خوبست با اینگونه تفسیرات مختلف روح قانون اساسی را از بین ببریم و اینکه بعضی آقایان تکیه با الفاظ کردند بکنی میگوید حرفه است یکی میگوید چیز فنی است.

حالا حرفه اگر معنای صحیحش را بخواهم همان بنای تجاری و این چیزها است والا همتس که در قورخا کار میکنند البته فن خودش را نمیفرشد علم خودش را نمیفرشد بکنی از دولت میگیرد و در مقابلش برای دولت کار میکند مدارس

حالا حرفه اگر معنای صحیحش را بخواهم همان بنای تجاری و این چیزها است والا همتس که در قورخا کار میکنند البته فن خودش را نمیفرشد علم خودش را نمیفرشد بکنی از دولت میگیرد و در مقابلش برای دولت کار میکند مدارس

حالا حرفه اگر معنای صحیحش را بخواهم همان بنای تجاری و این چیزها است والا همتس که در قورخا کار میکنند البته فن خودش را نمیفرشد علم خودش را نمیفرشد بکنی از دولت میگیرد و در مقابلش برای دولت کار میکند مدارس

رئیس-آقای آقا میرزا شهاب

ملک دولتی را بفروشد با انتقال دهند بکسی بطریق مزایده بایند باشد بملاوه بنده عرض میکنم ضرر هم دولت نمی کند و اشخاصی هم هستند که حاضر هستند تمام طلب والا حضرت را نقد بدهند و این را بمزایده با ضمانت بانک بر میدارند و قیمتش را هم بدولت میدهند پس اگر از این نقطه نظر هم باشد که دولت ضرر می کند ضرر نمیکند.

اما از آنطرف فرمودند که مجلس بوالا حضرت يك اعانتی بکنند و سلطنت آباد را با ایشان واگذار کنند که منزل کنند گمان نمی کنم که ایشان اصلا برای قبول چنین چیزی حاضر باشند والا حضرت در هر يك از عمارات دولتی هر وقت بخواهند میروند منزل میکنند مثلا در سلطنت آباد منزل میکنند و گمان نمی کنم از طرف دولت بامجلس برای ایشان معظوری باشد عمارات دولتی است ایشان هم ولیعهد مملکت هستند میروند در آنجا منزل می کنند.

خوب این خیلی تماشائی است که می فرمایند باز دید کرده اند صد هزار تومان خرج تعمیر آنست عمارتی که صد هزار تومان خرج تعمیر داشته باشد یعنی برای تعمیر يك خرابی هائی که در آن عمارت پیدا شده صد هزار تومان باید خرج کرد تا آن خرابیها اصلاح شود آنوقت همچو عمارتی چند قیمت دارد؟

در صورتیکه همچو باقائاتی که تعیین زده اند اگر الان درختهای آنجا را ببرند يك مقدار گزافی قیمت دارد و نیز آنهایی دارد که صورت آن نزد بنده است بملاوه املاکی که اجازه داده شده و میشود آن گذارده شود دولت ضرر میکند و شصت و هشت هزار تومان قیمت ندارد! میفرمایند هابیدی ندارد ولی خرج دارد البته با این ترتیبی که فعلا خالصجات ما اداره میشود همیشه بمنظور است و نه تنها منحصرا همین است بلکه همه خالصجات که داریم هابیدی ندارد ولی خرج دارد آن قسمت از خالصجات که ملک نیست عمارت نیست وقتی نگاه می کنیم می بینیم شصت تومان مستقیم خرج دارد و هفتصد تومان عایدی و با این خالصه میشود.

این يك صورتی است که از عبادت سلطنت آباد واقعه بسیار بکفر از زمانه گان محترم که اطلاع داشته اند به بنده داده اند که خلاصه جمع مبلغ گویا شصت هزار تومان و هفتصد هزار تومان گفته باشم و غیره اجازه داده میشود بیست و يك هزار و سیصد و سی تومان اجازه آنها است حالا البته خواهند گفت اشتباه کرده اند و این

خلاف واقع است و این را تکذیب میکنند از روی ماخذ آب معین کرده اند که چه مقدار آب خصوصا در سالهایی مثل امسال و سالهای گذشته که چقدر اجازه دارد و طایقی بیست تومان چهل تومان یا شبانه روزی چهل تومان معین کرده اند و با فاضل اجازه اراضی که اینجا نوشته اند.

بنده از این جهت مخالفم و باین ماده رای نخواهم داد و هم چنین بماده دوم که مجلس تکلیف معین میکند که وزارت مالیه شصت و هشت هزار تومان از طلب والا حضرت را ضبط کند این مطابق کدام يك از اصول قانونی ماست که مجلس رای بدهد طلب دیگری را وزارت مالیه ضبط کند مگر مجلس قیم والا حضرت است که رای بدهد طلب والا حضرت را بیست هزار

تومان بدهند شصت و هشت هزار تومان را ندهند بنا بر این بنده هیچ نمی توانم با طرز تنظیم این لایحه و اصل موضوع موافقت کنم.

وزیر مالیه بنده تعجب میکنم که آقای آقا میرزا شهاب خودشان عضو کمیسیون بوده هستند و اگر چه همه آقایان نمایندگان مطالب را باید بدانند ایشان مخصوص باید بدانند و بکلی مخالف آنچه قانون حکم میکند فرمایش میکنند خیر وزارت مالیه حق ندارد طلب والا حضرت را بپردازد.

بجهت اینکه وزارت مالیه حق دارد فقط مخارجی را که مجلس شورای ملی برای يك سال معین تصویب میکند مطابق مقررات قانون محاسبات عمومی در ظرف يك مدت معینی بپردازد و اگر آن مدت منقضی شد دیگر وزارت مالیه حق ندارد بدهد و اگر بدهد مسؤول خواهد بود و اگر بخواهد بدهد باید با تصویب مجلس شورای ملی باشد.

بنده هیچ لفظ اعانه اینجا نگفتم البته این لفظ صحیح نیست که نسبت بوالا حضرت گفته شود بلکه عرض کردم هیچ عیبی ندارد که والا حضرت هم يك منزل و مکانی داشته باشد دولت اینطور مصالحت دانسته است.

بنده عرض می کنم این سابقه نیست و بموجب قانون اساسی وقتی میخواهند ملک دولت را بدیگری منتقل بکنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بگیرند مجلس شورای ملی هم مجاز است که اجازه بدهد باندند.

البته اگر مصالحت و تقاضی دانست و دید صرفه دولت در او است اجازه بدهند و اگر مقتضی ندانست اجازه ندهند هیچ سابقه هم نیست امروز رای میدهند این را بدهند فردا رای نمیدهند با امروز رای میدهند که این را ندهند فردا رای میدهند يك سابقه است منتهی سابقه است که الزام نمیکند شمارا که حتما رای بدهید بالاخره این صحبت هائی هم که نسبت به عبادت و قیمت آنها می شود بنده عرض میکنم آنها يك چیز هائی نیست که بنده بخواهم داخل مذاکره آنها بشوم البته وقتی که آنها را رسماً تقویم میکنند پیش از اینها تقویم میشود ولی مشتری پیدا نمیشود که سلطنت آباد را بیشتر از اینها بخرد.

اما مقایسه با بافت آباد مقایسه مع الفارق است بافت آباد ملك است و حاصل بده است و زراعت دارد ولی سلطنت آباد باغ و عمارت است و حاصل نمیدهد و اگر درختهایش را هم بردارند آنوقت زمین لم بزغ میشود بالاخره مطالب اینست که ما طلب والا حضرت را نمی برداریم والا حضرت خودشان صرف نظر کرده اند رای هم ندهید دیگر وزارت مالیه این را نخواهد پرداخت عجلالتا موضوع بحث این است که می خواهیم سلطنت آباد را بملکیت والا حضرت واگذار کنیم مجلس هم بختار است هر طور میخواهد رای میدهد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس- پیشنهاد آقای اروپا قرائت می شود. (شرح آتی خوانده شد) بنده این اصلاح را پیشنهاد میکنم که قبل از کلمه ولیعهد اسم برده شود مخیر- بنده از طرف کمیسیون قبول می کنم. رئیس- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول قید شود مادام العمر.

بنده عرض می کنم این سابقه نیست و بموجب قانون اساسی وقتی میخواهند ملک دولت را بدیگری منتقل بکنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بگیرند مجلس شورای ملی هم مجاز است که اجازه بدهد باندند.

البته اگر مصالحت و تقاضی دانست و دید صرفه دولت در او است اجازه بدهند و اگر مقتضی ندانست اجازه ندهند هیچ سابقه هم نیست امروز رای میدهند این را بدهند فردا رای نمیدهند با امروز رای میدهند که این را ندهند فردا رای میدهند يك سابقه است منتهی سابقه است که الزام نمیکند شمارا که حتما رای بدهید بالاخره این صحبت هائی هم که نسبت به عبادت و قیمت آنها می شود بنده عرض میکنم آنها يك چیز هائی نیست که بنده بخواهم داخل مذاکره آنها بشوم البته وقتی که آنها را رسماً تقویم میکنند پیش از اینها تقویم میشود ولی مشتری پیدا نمیشود که سلطنت آباد را بیشتر از اینها بخرد.

اما مقایسه با بافت آباد مقایسه مع الفارق است بافت آباد ملك است و حاصل بده است و زراعت دارد ولی سلطنت آباد باغ و عمارت است و حاصل نمیدهد و اگر درختهایش را هم بردارند آنوقت زمین لم بزغ میشود بالاخره مطالب اینست که ما طلب والا حضرت را نمی برداریم والا حضرت خودشان صرف نظر کرده اند رای هم ندهید دیگر وزارت مالیه این را نخواهد پرداخت عجلالتا موضوع بحث این است که می خواهیم سلطنت آباد را بملکیت والا حضرت واگذار کنیم مجلس هم بختار است هر طور میخواهد رای میدهد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس- پیشنهاد آقای اروپا قرائت می شود. (شرح آتی خوانده شد) بنده این اصلاح را پیشنهاد میکنم که قبل از کلمه ولیعهد اسم برده شود مخیر- بنده از طرف کمیسیون قبول می کنم. رئیس- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول قید شود مادام العمر.

بنده عرض می کنم این سابقه نیست و بموجب قانون اساسی وقتی میخواهند ملک دولت را بدیگری منتقل بکنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بگیرند مجلس شورای ملی هم مجاز است که اجازه بدهد باندند.

البته اگر مصالحت و تقاضی دانست و دید صرفه دولت در او است اجازه بدهند و اگر مقتضی ندانست اجازه ندهند هیچ سابقه هم نیست امروز رای میدهند این را بدهند فردا رای نمیدهند با امروز رای میدهند که این را ندهند فردا رای میدهند يك سابقه است منتهی سابقه است که الزام نمیکند شمارا که حتما رای بدهید بالاخره این صحبت هائی هم که نسبت به عبادت و قیمت آنها می شود بنده عرض میکنم آنها يك چیز هائی نیست که بنده بخواهم داخل مذاکره آنها بشوم البته وقتی که آنها را رسماً تقویم میکنند پیش از اینها تقویم میشود ولی مشتری پیدا نمیشود که سلطنت آباد را بیشتر از اینها بخرد.

اما مقایسه با بافت آباد مقایسه مع الفارق است بافت آباد ملك است و حاصل بده است و زراعت دارد ولی سلطنت آباد باغ و عمارت است و حاصل نمیدهد و اگر درختهایش را هم بردارند آنوقت زمین لم بزغ میشود بالاخره مطالب اینست که ما طلب والا حضرت را نمی برداریم والا حضرت خودشان صرف نظر کرده اند رای هم ندهید دیگر وزارت مالیه این را نخواهد پرداخت عجلالتا موضوع بحث این است که می خواهیم سلطنت آباد را بملکیت والا حضرت واگذار کنیم مجلس هم بختار است هر طور میخواهد رای میدهد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس- پیشنهاد آقای اروپا قرائت می شود. (شرح آتی خوانده شد) بنده این اصلاح را پیشنهاد میکنم که قبل از کلمه ولیعهد اسم برده شود مخیر- بنده از طرف کمیسیون قبول می کنم. رئیس- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول قید شود مادام العمر.

بنده عرض می کنم این سابقه نیست و بموجب قانون اساسی وقتی میخواهند ملک دولت را بدیگری منتقل بکنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بگیرند مجلس شورای ملی هم مجاز است که اجازه بدهد باندند.

البته اگر مصالحت و تقاضی دانست و دید صرفه دولت در او است اجازه بدهند و اگر مقتضی ندانست اجازه ندهند هیچ سابقه هم نیست امروز رای میدهند این را بدهند فردا رای نمیدهند با امروز رای میدهند که این را ندهند فردا رای میدهند يك سابقه است منتهی سابقه است که الزام نمیکند شمارا که حتما رای بدهید بالاخره این صحبت هائی هم که نسبت به عبادت و قیمت آنها می شود بنده عرض میکنم آنها يك چیز هائی نیست که بنده بخواهم داخل مذاکره آنها بشوم البته وقتی که آنها را رسماً تقویم میکنند پیش از اینها تقویم میشود ولی مشتری پیدا نمیشود که سلطنت آباد را بیشتر از اینها بخرد.

اما مقایسه با بافت آباد مقایسه مع الفارق است بافت آباد ملك است و حاصل بده است و زراعت دارد ولی سلطنت آباد باغ و عمارت است و حاصل نمیدهد و اگر درختهایش را هم بردارند آنوقت زمین لم بزغ میشود بالاخره مطالب اینست که ما طلب والا حضرت را نمی برداریم والا حضرت خودشان صرف نظر کرده اند رای هم ندهید دیگر وزارت مالیه این را نخواهد پرداخت عجلالتا موضوع بحث این است که می خواهیم سلطنت آباد را بملکیت والا حضرت واگذار کنیم مجلس هم بختار است هر طور میخواهد رای میدهد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس- پیشنهاد آقای اروپا قرائت می شود. (شرح آتی خوانده شد) بنده این اصلاح را پیشنهاد میکنم که قبل از کلمه ولیعهد اسم برده شود مخیر- بنده از طرف کمیسیون قبول می کنم. رئیس- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول قید شود مادام العمر.

بنده عرض می کنم این سابقه نیست و بموجب قانون اساسی وقتی میخواهند ملک دولت را بدیگری منتقل بکنند باید از مجلس شورای ملی اجازه بگیرند مجلس شورای ملی هم مجاز است که اجازه بدهد باندند.

البته اگر مصالحت و تقاضی دانست و دید صرفه دولت در او است اجازه بدهند و اگر مقتضی ندانست اجازه ندهند هیچ سابقه هم نیست امروز رای میدهند این را بدهند فردا رای نمیدهند با امروز رای میدهند که این را ندهند فردا رای میدهند يك سابقه است منتهی سابقه است که الزام نمیکند شمارا که حتما رای بدهید بالاخره این صحبت هائی هم که نسبت به عبادت و قیمت آنها می شود بنده عرض میکنم آنها يك چیز هائی نیست که بنده بخواهم داخل مذاکره آنها بشوم البته وقتی که آنها را رسماً تقویم میکنند پیش از اینها تقویم میشود ولی مشتری پیدا نمیشود که سلطنت آباد را بیشتر از اینها بخرد.

اما مقایسه با بافت آباد مقایسه مع الفارق است بافت آباد ملك است و حاصل بده است و زراعت دارد ولی سلطنت آباد باغ و عمارت است و حاصل نمیدهد و اگر درختهایش را هم بردارند آنوقت زمین لم بزغ میشود بالاخره مطالب اینست که ما طلب والا حضرت را نمی برداریم والا حضرت خودشان صرف نظر کرده اند رای هم ندهید دیگر وزارت مالیه این را نخواهد پرداخت عجلالتا موضوع بحث این است که می خواهیم سلطنت آباد را بملکیت والا حضرت واگذار کنیم مجلس هم بختار است هر طور میخواهد رای میدهد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس- پیشنهاد آقای اروپا قرائت می شود. (شرح آتی خوانده شد) بنده این اصلاح را پیشنهاد میکنم که قبل از کلمه ولیعهد اسم برده شود مخیر- بنده از طرف کمیسیون قبول می کنم. رئیس- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (اینطور خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده اول قید شود مادام العمر.

همومی دولت که، البر هشت کرور تومان است تقدیم مقام ریاست شد

والان هم در کمیسیونها مطرح است والا حضرت هم يك طلبی از دولت دارند و البته باید بطالب خودشان برسند دولت ایران باید طلب ایشان را بدهد

علت این که يك عده بیچاره باید در این جا متحصن شده و يك عده دیگری که در اثر طلب داشتن از دولت ورشکست شده اند باید مطالبات آنها پرداخته شود و طلب والا حضرت ولایت عهد که فعلا هیچ وجه محتاج بیان طلب خودشان نیستند و احتیاج بیان وجه ندارند زودتر پرداخته نشود

در ضمن مذاکرات آقای وزیر مالیه فرمودند این طلب دوسه ساله است و مطالبات دیگران بیست ساله است

بهمین دلیل باید طلب دیگران بدهد ما داده شود و طلب والا حضرت فعلا داده خود

بنده با این لایحه مخالفم تا اینکه آن لایحه بجهت بیاید و ایشان هم بطلب خودشان خواهند رسید

فرزیر مالیه - بنده تأسف میخورم که گاهی از اوقات هریض بنده رسوه تغییر میکنند و مطلب مشتبه میشود بنده عرض نکردم

طلب والا حضرت دوسه ساله است سایرین بیست ساله است

بنده عرض کردم این طلبهایی که مردم دارند چون متعلق بسنوات قبل است وزارت مالیه برای خودش حق ندارد بدهد و باید از مجلس شورای ملی اجازه و اعتبار بگیرد

میخواهد سه ساله باشد میتواند بیست ساله تفاوت نمی کند و عرض کردم مالیک لایحه تقدیم کردیم برای پرداخت طلب مردم بشو معینی و هر وقت مجلس رأی داد ما هم اطاعت میکنیم

صندوق دولت هم بجهت خالی نیست پر است

اما مطابق يك ترتیبی میتوانیم به پردازیم و اگر الان دو کرور هم در صندوق دولت پول داشته باشیم هر وقت یکدیگر از طلب سه سال پیش از این هیچ کسی را نمیتوانیم پردازیم

مگر این که مجلس شورای ملی تصویب کند

ولی در باب طلب میفرمایند والا حضرت هم بیول خودشان برسند عرض کردم والا حضرت سلطنت آباد را نمی گیرند بفروشند پول بکنند برای خودشان و مکرر عرض کردم که والا حضرت خانه و عمارت میخواهند

دولت و مجلس هم موافقت می کند که

این عمارت را بایشان بدهند حکایت طلب و یول نیست

رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آشار آقایی که موافقت قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای زاهدی (شرح ذیل خوانده شد)

اینجانب پیشنهاد می کنم حق آبه دوشان تیه که از فتوات سلطنت آباد داده میشود کمسانی السابق داده شود و استثناء از این معامله باشد

تا نضر سلطنتی دوشان تیه خشک و خراب نشود

زاهدی - يك قسمت از این فتوات برای شرب دوشان تیه است دوشان تیه یکی از قصور سلطنتی است و زمستان شین پادشاه ایران است و گمان میکنم اگر این فتوات را بفروشند آنجا هم خشک میشود و يك قصور دولتی از بین میرود

هخیر - این پیشنهاد را قبول می کنم

رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده (شرح ذیل خوانده شد)

اصلاح ماده اول - مجلس شورای ملی بدو است اجازه می دهد که باغ و مزارع سلطنت آباد و اقدسیه و تمام متعلقات آن را در دو قسمی که دولت پرداخت مطالبات مصلحه اشخاص شروع میکنند بوالا حضرت محمد حسن میرزا ولیعهد بمنکیت واگذار و منتقل نماید

شریه - زاده بنده شخصاً همان دلالی که طرفدار مطالبات است اشخاص از دولت هشتم بهمان دلیل طرفدار نأدیه مطالبات والا حضرت از دولت هشتم ولی در همان حال متقدم که در بعضی از مسائل باید با قواعد و اصولی در مجلس رعایت شود و البته تصدیق میفرمایند که هیچ دلیلی بنظر نمی رسد که يك فردی بیک عده ای مدیون باشد

ولی بدون وجود جهاتی که قانوناً استثناء بکنند بطور اختصاصی دیون بعضی را پردازد و مطالبات عده ای را نپردازد و برای اینکه مطالبات اشخاص از دولت پرداخته شود دولت يك لایحه تنظیم کرده و البته همان طور هم که آقای وزیر مالیه فرمودند والا حضرت باید يك خانه بیلاقی داشته باشند و بنده هم موافقم

اما هیچ دلیلی بنظر نمی رسد که بمانند بفرود و لزوم آن الان باشیم زیرا این اقدام برخلاف يك اصولی است که هر مجلسی باید رعایت کند

خوب است هریض بنده را آقایان درست دقت بفرمایند و با کمال مساعدتی که تصمصم دارند نسبت بوالا حضرت بکنند

راجح باین قضیه این مسئله را هم در نظر

داشته باشند که يك عده اشخاص از دولت طلبکار هستند و آنها انتظار دارند که مجلس يك قانون عمومی که در باره طلب کاران اجرا شود وضع کند و هیچ علتی بنظر نمی رسد که ما آن لایحه عمومی را که از طرف دولت بمجلس رسیده است بتأخیر بیندازیم

در صورتیکه بعضی تصویب آن این مسئله هم حل میشود و گمان میکنم اگر این توضیحات بوالا حضرت هم برسد تصدیق خواهند نمود که مرا اگر مشوره و اشخاصی که مشولیتشان بیشتر مسئله تساری و عدالت در ملک است علاقمند باشند بنده تصور میکنم که شاید هم رأی داده شود ولی در هیچ جای هیچ بده کاری بدون هیچ قانونی نمی تواند قبل از آنکه ترتیبی از برای طلبکارهای دیگرش بدهد بالاخص نسبت بیک کسی فراری بدهد که آن یک نفر بمطالباتش برسد ولی نسبت ب دیگران که سالها است در مجلس متحصن هستند و عده شش هم بواسطه همین مسئله ورشکست شده اند و آنها هم ایرانی هستند تکلیفی برایشان معین نشود

بنده از طرفی علاقه والا حضرت را بقصر سلطنت آباد و اقدسیه حفظ کردم یعنی مجلس بدولت اجازه بدهد که این قسمت مخصوص ایشان باشد بنده ایام و راجع باین موضوع آقایان نمایندگان دولت و نظار بکنند و تصدیق بفرمایند که رأی دادن باین لایحه مثل نقض یکی از قواعد مسلمه دنیا است برای اینکه هیچ دلیل ندارد که بنده طلب داشته باشم معوق بماند و یکی دیگر بگیرد

امیدوارم که آقایان این توضیحات بنده را خیلی با حسن عقیده تلقی بکنند و در موافقت با توضیحات بنده کمک بکنند

رئیس - آقای حکمت (اجازه)

حکمت - توضیح آقای شریعت زاده در این قسمت گمان میکنم مورد نداشته باشد برای اینکه اگر يك مؤسسه یکمده طلبکار داشته باشد و آن مؤسسه هم لکل ورشکست شده باشد فقط يك مجلد داشته باشد البته باید آنرا باین طلبکاران تقسیم نماید ولی دولت ایران که ورشکست نیست و اگر کسی از او مطالباتی دارد البته خواهد پرداخته و تأخر همیشه در این طور موارد هست ولی اگر دولت يك محل مخصوصی داشت و در قابل آنها طلبکار های بسیار داشت البته بنده آنرا باین طلبکاران تقسیم نمایم

بلاوه تصدیق می فرمایند که شاید طلب بعضیها هنوز تصدیق نشده باشد و دولت هنوز خودش را با آنها مدیون نداند بنابراین هیچ مانعی ندارد که مطالبات ولایت عهد پرداخته شود و مال سایرین را هم بهمان ترتیب که دولت در نظر گرفته و

لا یحه بمجلس آورده است پردازد و اما اینکه فرمودند که والا حضرت شاید احتیاج نداشته باشند بنده عرض میکنم که احتیاج هم دارند مخارجشان هم زیاد است و حقوقشان هم چندهماه است نرسیده است ...

(همه بین نمایندگان - شما که مخالف بودید !!)

باز هم همان عرض خود را تکرار میکنم که باید مصلحا بزیاده گذاشته و طلب ایشان داده شود و اگر مازادی دارد به دولت برسد

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شریعت زاده آقایی که موافقت قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد جناب عالی راجع بخدمت است آقای شوشتری هم همین طور است پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده اول این نوع اصلاح شود و باغات و فتوات سلطنت آباد بمنکیت شخصی الی آخر

رئیس - مقصود اینست که عمارات حذف شود؟

آقا سید یعقوب - خیر اقدسیه و منضمات آن باید حذف شود

رئیس - بس کلمه عمارات را بیایستی نوشته باشید

آقا سید یعقوب - بلی آن را قبول میکنم که کلمه عمارت نوشته شود اجازه می فرمایید توضیح بدهم

رئیس - بفرمایید

آقا سید یعقوب - از بیانات آقای وزیر مالیه که اکثریت هم متوجه آن بیانات شد همچو معلوم میشود که والا حضرت محتاج بیک عمارت باشکوهی هستند قصر سلطنت آباد یکی از قصور مالیه آل قاجار است آن قصر را مجلس تقدیم می کند برای سکای والا حضرت اما اقدسیه و منضمات آنرا تا برسد بیاب سرخه حصار بنده مخالفم

خیلی خوب قصر سلطنت آباد و عمارت و باغ و فتوات آن مال والا حضرت باشند آنجا ما را هم آباد بشاید اما اقدسیه و منضمات برای چیست؟

آنجا يك جای علیحده است که هیچ مربوط بسلطنت آباد نیست حالا آقای حکمت مخالف بودند و موافق شدند بنده نمی فهمم

رئیس - (خطاب بآقای شوشتری) پیشنهاد جناب عالی بمجلس این پیشنهاد است در موقع رأی گرفتن بمجلس رأی میگیریم قرائت میشود

(پیشنهاد آقای شوشتری بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور

اصلاح شود و سلطنت آباد و متعلقات آن حذف شده فقط اقدسیه را بر کنار نمایند

رئیس - ماده اول را تریه میکنم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد عمارت و باغات و فتوات سلطنت آباد و منضمات آنرا بمنکیت شخصی والا - حضرت ولیعهد و اگذار و انتقال دهد

رئیس - اسم هم اضافه میشود حاج میرزا عبدالوهاب - آن استثناء هم باید اضافه شود

هخیر - آن استثناء بطور تبصره نوشته شده است

رئیس - رأی گرفته میشود بقسمت اول که قرائت شد

آقایان موافقتین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قسمت دوم (شرح ذیل قرائت شد)

مجلس شورای ملی بدولت اجازه می دهد عمارت و باغات و فتوات اقدسیه و منضمات آنرا بمنکیت شخصی والا حضرت محمد حسن میرزا ولیعهد و اگذار و انتقال دهد

رئیس - رأی میگیریم باین قسمت آقایان موافقتین قیام فرمایند

(جمع کثیری برخاستند)

رئیس - تصویب شد رأی گرفته میشود بمجموع هر دو قسمت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد این ماده پیشنهادی است که از طرف آقای مخبر داده شده است بجای تبصره چون بنده اول رأی گرفته شده است ماده دوم میشود

(ماده مزبوره اینطور خوانده شد)

ماده ۲ - چنانچه حق آبه عمارات سلطنتی معمولاً از فتوات سلطنت آباد داشته است کمافی السابق در ملکیت دولت باقی و باید موافق معمول آب آن نقاط داده شود

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم بر ترتیبی که قرائت شد آقایان موافقتین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - وزارت مالیه مکلف است از مطالبات معوقه والا حضرت ولیعهد که جمماً بالغ بهشتاد و هشت هزار و نهصد و نود و شش تومان است مبلغ بیست هزار تومان آن را نقداً پرداخت و بقیه را که معادل شصت و هشتاد و نهصد و نود و شش تومان است ضبط و از دفتر دیون دولت حذف نماید

رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه)

آقامیرزا شهاب - بنده عریضی که میکنم از نقطه نظر موافقت یا مخالفت یا حب و بغض نیست آنچه عقیده دارم و صلاح مملکت را پیش خودم تشخیص داده ام عرض میکنم خواه برفع دولت باشد خواه نباشد خواه برفع ولایت عهد باشد خواه برضد ایشان

يك قسمت عریضی در ماده اول کردم که در موقع جواب جواب آنها داده شد ولی آقای وزیر مالیه فرمودند که تعجب میکنم که ایشان عضو کمیسیون هستند و این حرفها را میزنند بنده عضو کمیسیون بوده هستم و معصوماً بالا یحه تقدیمی کمیسیون بوده معارضه بجهت اینکه آن لایحه که دولت پیشنهاد کرده بود باز يك صورت مشروعی داشت و این لایحه که کمیسیون پیشنهاد کرده ترتیب لایحه دولت را بواسطه حدوث يك اشکالاتی بکلی برهم زده اند

و این لایحه را پیشنهاد کرده اند چون دولت پیشنهاد کرده بود که مجلس شورای ملی اجازه بدهد که سلطنت آباد و اقدسیه و فتوات و منضمات آن بوالا حضرت ولایت عهد در مقابل شصت و هشت هزار و نهصد و چه قدر از مطالبات ایشان واگذار نماید

و در آنجا همین صحبت مزایده شد که هر گاه بخواهند ملک را بفروشند بیایستی بزیاده بگذارند آنجا خواستند کلاه شرعی سرش بگذارند و مشروعهش بکنند

گفتند این را می بخشیم و آن قسمت مطالبات والا حضرت را نمی دهیم این چیز غریبی است از يك طرف بخشش و از طرف دیگر جلوگیری گرفتن مطالبات مردم

خوب اگر این اصل را قبول کنید تمام مردم میتوانند در وحشت بیفتند و بگویند که مجلس میتواند رأی بدهد که فلان مبلغ از مطالبات فلان آدم ضبط شود

والا حضرت را بدهد به وجه این شرحی که اینجانب نوشته شده است هشتاد و هشت هزار و نهصد و شصت و شش تومان طلبکار هستند بنده که صورتش را ندیده ام بکمیسیون بوده هم نیامده است و از این جهت نمی دانم آقایان که هیچ صورتش را ندیده اند بنده متعجبم فرمودند وزارت مالیه حق ندارد طلب والا حضرت را بدهد ولی در ضمن فرمایشاتشان راجع بسایر مطالبات فرمودند طلب که نه معلوم میشود این طلب جدید است و مطالباتی است که از حقوق ایشان باقی مانده است اگر این طور است و این مطالبات یک چیزی است که مجلس تصویب کرده است و ولت یا نداده اند یا عقیقه مانده است که گمان نمیکنم محتاج با اجازه مجلس باشد یعنی یک چیزی است که مجلس تصویب کرده و بیایستی پرداخته شود اگر يك

مطالباتی است که خارج از مصوبات مجلس است خوب است يك صورتی بدهند که نمایندگان بدانند چه طور رأی میدهند حالا شصت و هشت هزار تومان قدر از دفتر دیون دولت حلف میکنند و در مقابل بخششی که کرده اند پس خوب است صورتش را بدهند که ما هم بدانیم از چه باب است اگر از باب بودجه ولایت عهد است و وزارت مالیه تیرداخته است بدانیم مال کدام سال است

والا همین طور نمی شود که مجلس شورای ملی رأی بدهد و بطلب ایشان را تصدیق کند در صورتیکه هیچ يك از نمایندگان نمی دانند ایشان چقدر طلب را ندیده اند و آنوقت هم می خواهند رأی بدهند که وزارت مالیه مجاز است از طلب ایشان شصت و هشت هزار تومان و کسری ضبط کند و ۲۰ هزار تومان هم پردازد بنده از طرف سایر مردم که طلب کار هستند و واهمه دارند که مجلس وقتی هم درباره آنها رأی بدهد که وزارت مالیه مکلف است مال آنها را ضبط کند استعما میکنم در این موضوع يك قدری سکت شود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده در این ماده اجازه نخواستم بدم و در کلیات این لایحه يك موافقت اصولی داشتم موقر آن غنیمت شمردم حالا که این لایحه مطرح است در این موضوع صحبت کرده باشم که دولت يك مشت املاکی که بعنوان خاصه است و سالی مبالغی برای خرج این املاک بر بوده ملکیتی تحصیل میشود

اگر این را در مقابل مستعمرات و شهریه ها بادر مقابل دعاوی مردم با همان رعایای که املاک در دست خودشان است واگذار کنند این بصره و صلاح مملکت است

بنده اطلاعی از طلب والا حضرت ولایت عهد ندارم و نمی دانم طلب کار هستند یا نیستند و این عمارات دولتی را هم که دیده ام نگاه داشتن آن برای مسالی مبالغی ضرر دارد یا خرجش میکنیم یا نمیکنیم اگر خرجش نکنیم رو بخرابی میرود اگر خرجش بکنیم تحمیل بر بوده ملکیتی می شود و يك شاهی هم عاید نمیشود

من در مجلس چهارم خیال میکنم این جمله را خدمت آقایان عرض کرده باشم که خوب است این املاک را واگذار کنند من باغ فردوس را وقتی که سه ساله است در دستم بودم که میشد شخص در آنجا زندگی کند امسال که دیدم بکلی يك قسمت عمارتش که خراب شده معلوم شد که دولت تازه آنجا را تحت نظر گرفته که بده مالک شود و هنوز مالک نشده است معلوم می شود هر چه را که دولت مالک می شود خراب می شود

اگر والا حضرت ولایت عهد اینها را بخواهد آباد کند من معتقدم که هیچ طلب هم نداشته باشد و اگذار کنند و این يك کار عقلانی است

راجح بطلب ایشان که دولت ضبط کند یا نکنند بنده عرضی نداشتم

وزیر مالیه - چون ارفر مایشات آقای آقامیرزا شهاب باز دیدم که منظور بنده از عریضم معامول نشده میبورد شدم توضیح بدهم

گفتگوی طلب کینه و اینها نبود و باز تعجب میکنم از آقای که عضو کمیسیون بوده هستند و این فرمایش را می کنند

دوره عمل مالیه که سر رفت دیگر مالیه حق ندارد از بابت دوره عمل گذشته چیزی پرداخت کند

این قانون معاصبات عمومی موضوعه همین مجلس شورای ملی است و طلب والا - حضرت هم از بابت اعتبارات مصوبه مجلس شورای ملی است

امامال يك دوره های عملی است که منقضی شده (مال چهار پنج سال قبل است) مثل همان طلب های دیگران است که از چهار پنج سال بیشتر است یا که تراست تقاضای نمیکند

ولی مال سال هزار و سیصد و دو را اگر ما چیزی پرداخته باشیم امروز دیگر ما حق نداریم پردازیم مگر مجلس شورای ملی اجازه بدهد والا طلب والا حضرت از بابت همان اعتبارات مصوبه است که همین مجلس شورای ملی در دوره چهارم تصویب کرده و بواسطه اینکه حقوق مردم پرداخته نمی شده است و بسیاری از مردم طلب معوقه دارند

والا حضرت هم طلب معوقه دارند این مبلغ هم از بابت آن هشتاد و نه هزار تومان است

کمیسیون بوده هم از این مسئله خوب اطلاع دارند اگر اعتراض بکمیسیون بوده است (اگر چه از طرف بنده دفاع لازم نیست)

ولی بنده عرض میکنم کمیسیون بوده کار بدی نکرده اند منتهی آن منظوری را که دولت داشته است کمیسیون بوده بایک مطلب بهتری ادا کرده است و تفاوتی در مطلب پیدا نمیشود

جمعی از نمایندگان عدا کرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادی تقدیم کردم

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم موض کلمه نقداً نوشته شود در موقع پرداخت حقوق معوقه کلیه وزارتخانه ها پرداخت الخ